



فاجعه‌ی ۸ شوال

پیامد دشمنی با

غدیر



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فاجعه هشتم شوال پیامد دشمنی با غدیر

نویسنده:

واحد تحقیقات مرکز غدیرستان کوثر نبی صلی الله علیه و آله
و سلم

ناشر چاپی:

مرکز غدیرستان کوثر نبی (صلی الله علیه و آله و سلم)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۰	فاجعه هشتم شوال پیامد دشمنی با غدیر
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	روز جهانی بقیع در کلام مراجع معظم تقلید
۱۰	حضرت آیت الله العظمی حاج سید محمد حسینی شیرازی(ره)
۱۱	آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی(دامت برکاته)
۱۳	آیت الله سیدصادق حسینی شیرازی(دامت برکاته)
۱۶	پیشینه با عظمت بقیع
۱۸	بیان واقعه تلخ تخریب قبور ائمه بقیع علیهم السلام
۲۲	عقائد مشترک وهابیون و دشمنان غدیر
۲۲	ترور شخصیت‌های الهی
۲۲	شخصیت پیامبر صلی الله علیه و آله
۲۲	توسط دشمنان غدیر
۲۴	توسط وهابیون
۳۰	شخصیت امیرالمومنین علیه السلام
۳۰	توسط دشمنان غدیر
۳۰	علی علیه السلام در کنار بستر پیامبر
۳۲	از زبان خود مولا
۳۲	در شورای شش نفری
۳۴	در نامه ۹ نهج البلاغه
۳۵	توسط وهابیون
۳۵	تخریب مسجد غدیر خم
۳۵	ویرانه کردن سرزمین فدک و تعویض نام آن

- تخریب بیت الأحزان ۳۶
- تخریب محله بنی هاشم ۳۷
- بی حرمتی و تخریب مکانهای منصوب به اهل بیت علیهم السلام ۳۸
- قبرستان بقیع ۳۸
- توسط دشمنان غدیر ۳۸
- توسط وهابیون ۴۰
- بیان تخریب بقیع از صحیح بخاری ۴۰
- بیانیه علمای مکه و نجد ۴۰
- مسجد غدیر خم ۵۰
- توسط دشمنان غدیر ۵۰
- توسط وهابیون ۵۱
- خانه امیرالمومنین علیه السلام ۵۱
- توسط دشمنان غدیر ۵۱
- توسط وهابیون ۵۳
- بیت الاحزان ۵۴
- توسط دشمنان غدیر ۵۴
- توسط وهابیون ۵۴
- فدک ۵۵
- توسط دشمنان غدیر ۵۵
- توسط وهابیون ۵۷
- از بین بردن احادیث و کتب اسلامی ۵۷
- توسط دشمنان غدیر ۵۷
- توسط ابابکر ۵۷
- توسط عمر بن الخطاب ۵۷

۵۹	توسط وهابیت
۶۳	اهلبیت علیهم السلام و حرمت قبرستان بقیع
۶۳	پیامبر صلی الله علیه و آله و بقیع
۶۳	حضور در بقیع در شبهای جمعه
۶۴	حضور در بقیع در شب نیمه شعبان
۶۵	محل ایستادن پیامبر صلی الله علیه و آله
۶۵	استغفار پیامبر صلی الله علیه و آله برای اهل بقیع
۶۶	دعا در بقیع
۶۶	امیرالمومنین علیه السلام و بقیع
۶۶	سلام کردن خورشید به امیرالمومنین علیه السلام در بقیع
۶۹	بیان اسرار کائنات در بقیع
۷۰	زنده کردن مرده در بقیع
۷۰	بیرون آوردن صد شتر سرخ مو از صخره
۷۱	دفاع از قبر مخفی حضرت زهرا علیها السلام
۷۳	حضرت زهرا علیها السلام و بقیع
۷۳	امام حسن علیه السلام و بقیع
۷۴	امام سجاد علیه السلام و بقیع
۷۴	امام باقر علیه السلام و بقیع
۷۴	امام صادق علیه السلام و بقیع
۷۴	خانه عقیل
۷۵	خانه امام صادق علیهما السلام
۷۵	مدفون شدگان در بقیع
۷۵	ائمه بقیع
۷۵	امام حسن بن علی علیهما السلام

- ۷۷ امام زین العابدین علی بن الحسین علیهما السلام
- ۷۸ امام محمد بن علی بن الحسین علیهم السلام
- ۷۸ امام جعفر بن محمد الصادق علیهما السلام
- ۷۹ قبور فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله
- ۷۹ زینب
- ۷۹ ام کلثوم
- ۷۹ رقیه
- ۷۹ ابراهیم علیه السلام
- ۸۰ همسران پیامبر مدفون در بقیع
- ۸۰ ام سلمه
- ۸۰ زینب بنت جحش (دختر عمه پیامبر صلی الله علیه و آله)
- ۸۰ ماریه قبطیه
- ۸۰ زینب بنت خُزَیمه
- ۸۰ ام حبیبه دختر ابوسفیان
- ۸۱ جُویریّه بنت حارث
- ۸۱ صفیه
- ۸۱ سوده دختر زمعه بن قیس
- ۸۱ ریحانه بنت زید
- ۸۱ قبر عمه های پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۸۱ صفیه، دختر عبدالمطلب
- ۸۳ عاتکه، دختر عبدالمطلب
- ۸۳ قبور دیگر زنان با فضیلت
- ۸۳ فاطمه بنت اسد
- ۸۳ ام البنین

۸۴	حلیمه سعديه
۸۴	ديگر مدفونين بقیع
۸۴	عقیل بن ابی طالب
۸۴	عبدالله بن جعفر
۸۵	محمد بن علی معروف به ابن حنفيه
۸۵	ابوسفیان بن حارث
۸۵	اسماعیل بن جعفر
۸۵	عثمان بن مظعون
۸۵	اسعد بن زرارہ
۸۶	خُنيس بن حُذافه
۸۶	سعد بن معاذ
۸۶	عبدالله بن مسعود
۸۷	ابوسعید خُدری
۸۷	مقداد بن اسود
۸۷	جابر بن عبدالله
۸۷	حکیم بن حِزام
۸۷	زید بن ثابت
۸۸	اسامه بن زید
۸۸	شهادی حَرّه
۸۸	عباس بن عبدالمطلب
۸۸	اشعار
۹۷	پیامک
۱۰۴	درباره مرکز

فاجعه هشتم شوال پیامد دشمنی با غدیر

مشخصات کتاب

سرشناسه: مرکز تخصصی غدیرستان کوثر نبی (ص)

عنوان و نام پدیدآور: فاجعه هشتم شوال پیامد دشمنی با غدیر/محمدرضا شریفی

مشخصات ظاهری: نرم افزار تلفن همراه و رایانه

موضوع: غدیر - هشتم شوال

ص: ۱

روز جهانی بقیع در کلام مراجع معظم تقلید

حضرت آیت الله العظمی حاج سید محمد حسینی شیرازی (ره)

حضرت آیت الله العظمی حاج سید محمد حسینی شیرازی قدس سره درباره ی اقدام جریان تکفیری به ویران کردن قبور ائمه بقیع و دیگر نمادهای اسلامی فرمودند: «از بین بردن ده ها اثر از رسول خدا صلی الله علیه وآله و خاندان پاک و اصحاب آن حضرت، امری نابخردانه و غیر شرعی است، بلکه تباه کردن آثار اسلامی و میراث تاریخ است، چراکه آن آثار، عناصر هدایت و دلالت هایی برای بشریت است».

آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی (دامت برکاته)

به گزارش خبرگزاری مهر، آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی در پیامی که در آستانه هشتم شوال، سالروز تخریب قبور ائمه بقیع صادر شده است بیان کرد: بقیع عنوان بقعه ای از بقاع مدینه طیبیه است که حافظ آثار بخش های مهمی از تاریخ صدر اسلام است و در طول چهارده قرن و اندی که از هجرت می گذرد همواره یادآور روزهای بزرگی است که هر کدام در معرّفی اسلام و رسالت الهی حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله از اسناد مهمّ تاریخ است و پاسداری از این آثار و حفاظت از آنها، پاسداری از مبانی دعوت به توحید و قرآن کریم است.

در بخش دیگر از پیام آمده است: این آثار و سایر آثار تاریخی که در حرمین شریفین قرار دارد، همواره بین مسلمانان، با عظمت و قداست و مورد احترام بوده و هست و مردم، سیره ی پیغمبر، مجاهدات پیغمبر، غزوات پیغمبر، اهل بیت پیغمبر و اصحاب پیغمبر صلی الله علیه وآله را در آنها می دیدند و از اعتبار بالا و بی مانندی برخوردار است.

هر نقطه از دو حرم شریفین بینش افزا و ایمان پرور است

این مرجع تقلید شیعیان در این پیام ادامه داد: هر نقطه این ۲ حرم، بینش افزا و ایمان پرور است و وجود پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله و حواشی و اطراف وجود آن حضرت، خاندان بزرگوارش، عبدالمطلب جدّ آن حضرت، ابوطالب عموی ایشان، فاطمه بنت اسد همسر محترم ابوطالب که به منزله مادر برای ایشان بود، همسرانش در مدینه و همسر یگانه اش خدیجه، سبط اکبرشان و نوادگان عالیقدر و حمزه عموی بزرگوار دیگرشان، بخش بسیار مهمّی از تاریخ اسلام است و همچنین غزوه ی اُحد و بدر و مقامات و مساجدی مانند مولد آن حضرت، کوه تاریخی حرا و غار شریف آن، مرکز بعثت آن بزرگوار به سوی خلق و آغاز دعوت و نیز خانه ی امّ هانی و ده ها مکان مقدّس دیگر، همه تاریخ این دین حنیف را معرّفی می کند و حرمین شریفین علاوه بر کعبه ی معظّمه و مسجد النّبوی، نیز به اعتبار این اماکن تاریخی و محترم، دارای عالی ترین هویت است.

وی در این پیام بیان کرد: افسوس که بیشتر این مشاهد و مقامات را تخریب کردند و خسارات بزرگی به تاریخ اسلام به واسطه ی از بین بردن این اسناد تاریخی وارد شد که جبران پذیر نیست و پشتوانه های تاریخی دین مبین را ویران کرد.

هیچ امتی تاریخ خود را اینگونه ضایع نمی سازد

وی در این پیام اضافه کرد: در دنیای کنونی که دولت ها و مردم به حفظ سوابق فرهنگی و موارث افتخارآمیز خود اهتمام دارند، این موارث عزیز منهدم شد و یا نام آنها را عوض کردند و هیچ امت و هیچ فرد آگاهی، تاریخ خود را این گونه ضایع نمی سازد.

آیت الله صافی گلپایگانی در پیام خود بیان کرد: قرآن مجید "، بیت " را به وجود آیات بینات و مقام ابراهیم، معزز و مکرم معرفی کرده و "مقام ابراهیم علیه السلام" به این نسبت مورد احترام است.

وی در این پیام اضافه کرد: حرمین شریفین، بقعه‌هایی دارد که بسیاری از آن‌ها منسوب به خاتم الانبیا، حضرت محمد صلی الله علیه و آله است و سزاوار است که مقامات جلیله و کریمه‌ای که همه مضاف به محمد است، به مرور اعصار باقی بماند و مقامات محمد در مکه و در مدینه همچون مقام ابراهیم باید معروف و مشهور باشد.

مرجع تقلید شیعیان در این پیام آورده است: همانگونه که نام ابراهیم، پیام آور بزرگ توحید به آن مقام جاودانگی دارد؛ نام محمد و رسالت او به توحید و مقامات او در حرمین شریفین باید جاودان بماند و خواهد ماند و همان طور که تخریب مقام ابراهیم و جلوگیری از عبادت خدا و نماز در آن به عنوان شرک گرایي جایز نیست؛ منع از تعظیم و تکریم مقامات محمدی که هر کدام جلوه‌ی مقام ابراهیمی است، به این عناوین جایز نیست.

وی در پیام خود ادامه داد: مکان‌های مقدس مکه و مدینه اگرچه به نام دیگران هم باشد، همه نام و جایگاه پیامبر اسلام و شعاع نام آن حضرت است، همه مکمل دعوت به توحید و تاریخ دین توحید و عقیده به توحید و پیام توحید و اعزاز کلمه‌ی توحید است، اگر ابراهیم به این مقام واحد یاد می‌شود؛ محمد صلی الله علیه و آله به همه این مقامات متعدد یاد می‌شود که همه جاودانگی دارد.

مسلمانان نگذارند که پشتوانه بزرگ تاریخی فراموش شود

آیت الله صافی گلپایگانی در پیام خود با اشاره به اینکه همه مسلمانان باید مقامات اسلام را گرامی بدارند و نگذارند که این پشتوانه بزرگ تاریخی فراموش و مهجور و متروک شود افزود: روز هشتم شوال، روزی است که ویران‌گری‌های این گروه از بقیع شروع شد و مراقد مطهر و نورانی اهل البیت علیهم السلام را تخریب کردند و به هویت اسلام عزیز تاختند، لذا لازم است که همه ی مسلمانان، اعم از شیعه و سنی و مذاهب مختلف، این روز را جهانی و جنایات آنان را محکوم کنند و همه با هم تجدید بنای این مشاهد عزیز و احیای سوابق درخشان اسلام را مطالبه کنند.

آیت الله سیدصادق حسینی شیرازی (دامت برکاته)

بسم الله الرحمن الرحيم

در هشتم شوال سال ۱۳۴۴ هجری قمری وهابیان ظالم به سرکردگی عبدالعزیز بن سعود پس از اشغال مکه مکرمه، روی به مدینه منوره آوردند و پس از محاصره و جنگ با مدافعان شهر، سرانجام آن را اشغال نموده و به تخریب قبور ائمه بقیع امام حسن مجتبی سبط پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و امام زین العابدین و امام باقر و امام صادق سلاله معصوم و پاک نبی اکرم علیه وعلیهم السلام پرداختند. جنایت هولناکی که قلب هر انسان آزاده ای را جریحه دار می کرد.

تاریخ خود گواه است که این جسارت‌ها از آنجایی شروع شد که مشرکین اصحاب صحیفه ملعونه با یکدیگر هم قسم شدند تا نگذارند محمد امین صلی الله علیه وآله دین و آیین الهی را ابلاغ کند و یا اینکه اگر موفق نشدند، جانشینی که خدا برایش منصوب کرد را متوقف و با کودتایی غیر منطقی نالایقان را بر منبر و مسند امامت و ولایت بنشانند.

ص: ۴

منافقین کوردل در مرحله اول نتوانستند مانع از حقیقت جاوید اسلام محمّدی شوند، هرچند با فشارها و زخم زبانها، رحمت عالمیان را آزدند ولی نتوانستند مانع از ابلاغ امر مهم خلافت و جانشینی صدیق اکبر و فاروق اعظم امیرالمؤمنین علی علیه السلام شوند.

ابلاغ جهانی غدیر و مسئله جانشینی بلافضل امیرالمؤمنین علی علیه السلام آنقدر بر اصحاب صحیفه ملعونه گران آمد که دستور دادند دو تن از همسران رسول خدا که قرآن با لعن و نفرین از آنها یاد می کند با زهر جفا، خاتم الانبیاء را مسموم و به شهادت برسانند.

مسئله تا آنجا نیز ختم نشد. بعد از شهادت رسول خدا صلی الله علیه وآله سقیفه را به یاد صحیفه ملعونه شان بنیان نمودند و بر کنار زدن جانشین بلافضل رسول خاتم کوشش کردند و نتیجه آن شد که باب مدینه العلم نبوی را خانه نشین کردند و درب خانه اش را سوزاندند و لیله القدر جهان هستی، کوثر وجود رسول خدا، حضرت عصمت الله الکبری فاطمه زهرا سلام الله علیها را به شهادت رسانیدند و گوهر وجودش حضرت محسن را سبقت کردند و با به شهادت رسانیدن اولاد طاهرین آن حضرت لکه ننگ بر صفحات تاریخ به یادگار گذاردند. سپس آنها که دیدند نتوانستند حقیقت اسلام را که ولایت ائمه معصومین علیهم السلام است از بین ببرند به ناچار به تخریب و ویران نمودن و هتک حرمت آثار و قبور مطهرشان روی آوردند.

هشتم شوال، سالروز تخریب بقیع بدست فرقه وهابیت

دیروز با تخریب قبور ائمه بقیع، مسلمانان و اندیشمندان و دانشمندان و نخبگان آزاده جهان را عزادار کردند و روز بعد با تخریب قبور مطهره سامراء مقدس و خانه حضرت مهدی موعود ارواحناده و امروز نیز در عراق، بحرین، عربستان، پاکستان، افغانستان و سوریه... با تفجیر و قتل عام....

ص: ۵

واقعا علت و ریشه این جنایات هولناک چیست؟

بزرگ مرجع عالیقدر شیعیان جهان، حضرت آیت الله العظمی حاج سید صادق حسینی شیرازی مدظله العالی علت و ریشه این بی حرمتی ها را روی گردانی جنایتکاران از فرهنگ اهل بیت علیهم السلام می دانند و می فرمایند:

فرهنگ اهل بیت علیهم السلام فرهنگ رأفت و رحمت است. بر خلاف فرهنگ دشمنان اهل بیت علیهم السلام که فرهنگ ظلم و قساوت می باشد. این فرهنگ از همان روزی آغاز شد که ابوسفیان به مبارزه با پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله برخاست و تا ۲۲ سال، تمام توش و توان و امکانات و پول خود را صرف جنگ افروزی با حضرت کرد. پس از وی معاویه بن ابی سفیان و یزید لعنت الله علیهم این جریان را ادامه دادند و سپس بنی امیه و بنی مروان و بنی العباس لعنت الله علیهم این فرهنگ را گسترش و تثبیت نمودند.

اغلب مردم امروز جهان فرهنگ اهل بیت علیهم السلام را نمی شناسند و تفاوت آن را با فرهنگ دشمنان اهل بیت علیهم السلام نمی دانند.

بروز حوادثی چون هتک حرمت حرمین عسکرین علیهما السلام در سامراء مقدس، فاجعه بقیع و دیگر فجایع همگی نتیجه همین ناآگاهی است و ما وظیفه داریم این دو فرهنگ را برای مردم دنیا در کنار هم بگذاریم تا بتوانند این دو را با هم مقایسه کنند. در چنین ایامی (هشتم شوال) نسبت به ساحت قدس رسول خدا صلی الله علیه وآله و خاندان گرامی ایشان و بلکه قرآن و اسلام اهانت بزرگی انجام شد. این اهانت که هنوز هم آثار و پیامدهای آن باقی است عبارت است از: «ویران کردن بارگاه مطهر چهار امام بقیع علیهم السلام در مدینه منوره».

ص: ۶

باید تکلیف خود را در قبال هدم بارگاه امامان بقیع علیهم السلام که از بزرگ ترین منکرات روزگار است به جا آوریم.

پادشاه اخروی هر یک از ما به مقدار خدمات چنین فاجعه ای است که هیچ گاه و به هیچ نحو جبران نخواهد شد. برخی از امور قابل جبران است ولی همه عقلا می دانند که دست زدن و اهانت به مقدسات از اموری است که به هیچ عنوان جبران پذیر نیست. زمانی که این مکان مقدس بازسازی شود تنها جلو استمرار بخشی از فاجعه گرفته می شود ولی فاجعه فاجعه است.

هرکس در هرجا هست از فرصت استفاده کند و مظلومیت بقیع را به جهانیان مطرح نموده، دیگران را نیز برای رفع آن فرا خواند. این امر (نامگذاری ۸ شوال به روز جهانی بقیع) وظیفه ای است شرعی در راه احیاء "بقیع غرقد".

امید است با قیام همه مؤمنین و مؤمنات به انجام این وظائف الهیه قلب مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را مسرور بدارند.

سایت اسلام پرس

پیشینه با عظمت بقیع

یکی از پرخاطره ترین مکان های مدینه، قبرستان بقیع است؛ جایی که آن را پیش از آمدن پیامبر صلی الله علیه وآله «بقیع الغرقد» می نامیدند. «غرقد» نوعی درخت است که در گذشته، داخل این قبرستان و یا در کنار آن وجود داشته و به تدریج با گسترش قبرستان، آن درخت ها از میان رفته است.

بقیع به عنوان زمینی در حاشیه بخش مرکزی یثرب پیش از اسلام، گورستان مردم این شهر بود و پس از اسلام نیز به عنوان مهم ترین گورستان مدینه شناخته شد. این گورستان با وسعت نسبتاً زیاد خود به مانند نوع قبرستان های کهن که در محیطی باز و پراکنده بوده در طول قرون مختلف اسلامی، مدفن صحابه، تابعین و مهم تر از همه، چهار تن از امامان علیهم السلام بوده و از این رو محل زیارت تمامی زائران مدینه منوره است.

ص: ۷

بقیع در ناحیه شرقی مسجدالنبی صلی الله علیه و آله و تقریباً در فاصله یک صد متری آن واقع شده و بارها حدود آن تغییر کرده است. این قبرستان تا یکصد سال پیش، خارج از حصار قرار داشته، اما اکنون در میان شهر مدینه واقع شده، از چند سوی در محاصره خیابان های ستین، عبدالعزیز و ابوذر و باب العوالی قرار گرفته است.

بقیع در آغاز دولت اسلامی مدینه، مانند پیش از اسلام، به عنوان قبرستان، مورد استفاده قرار گرفت. یکی از نخستین مهاجران که در بقیع مدفون شد، عثمان بن مظعون بود. وی در مکه به پیامبر صلی الله علیه و آله گروید، سپس به حبشه هجرت کرد و پس از مهاجرت به مدینه در جنگ بدر حضور یافت و آنگاه در گذشت.

به نقل از ابن حجر، وقتی عثمان بن مظعون در گذشت، رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی که اشک از چشمانش سرازیر بود، او را بوسید. زمانی هم که ابراهیم فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله در گذشت، حضرت فرمود: او به سلف صالح ما عثمان بن مظعون پیوست. «۱» رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی عثمان بن مظعون دفن شد، نشانی بر گور او قرار داد و فرمود: این نشانه گور اوست تا کسانی که بعد می میرند کنار گور او دفن شوند. «۲»

پراکندگی قبرستان، از همان زمان مطرح بوده و به همین دلیل است که اکنون برخی از قبور صحابه، در فاصله ای بسیار دورتر از بخش اولیه آن در زمان ما قرار گرفته است. برای نمونه می توان به فاصله قبر سعد بن معاذ با قبور ائمه اطهار علیهم السلام اشاره کرد. از دیگر چهره های معروف صحابه که در دوره حیات پیامبر صلی الله علیه و آله در گذشت و در بقیع آرمید، همین سعد بن معاذ است که در نبرد خندق مجروح شد و چندی بعد به شهادت رسید.

گفتنی است که محدوده حد فاصل میان بقیع و حرم پیغمبر صلی الله علیه و آله تا چند سال پیش مجموعه از خانه ها و کوچه و بازار و کتابخانه عارف حکمت را تشکیل می داد که بخش های مختلف آن به مرور از میان رفت و در حال حاضر به صورت یک فضای سنگفرش باز به عنوان حیاط باز مسجد مورد استفاده است. در این محله که میان شیعیان به محله بنی هاشم شهرت دارد، خانه ای وجود داشت که به عنوان خانه امام جعفر صادق علیه السلام شهرت داشت و کوچه تنگ مزبور را نیز به عنوان «زقاق جعفر» می شناختند. از این خانه و کوچه که در حوالی سالهای ۶۰ تا ۶۳ تخریب شد، تصاویری برجای مانده است.

(۱). الاصابه، ج ۴، ص ۴۶۲ (تحقیق البجاوی).

(۲). طبقات ابن سعد (ترجمه فارسی)، ج ۳، ص ۳۴۵

آثار اسلامی مکه و مدینه، ص: ۳۷۴-۳۷۵

بیان واقعه تلخ تخریب قبور ائمه بقیع علیهم السلام

تا به حال نام یوم الهدم را شنیده اید؟ یوم الهدم یعنی روز ویران کردن..

در هشتم شوال سال ۱۳۴۴ هجری قمری پس از اشغال مکه، وهابیان به سرکردگی عبدالعزیز بن سعود روی به مدینه آوردند و پس از محاصره و جنگ با مدافعان شهر، سرانجام آن را اشغال نموده، مأمورین عثمانی را بیرون کردند و به تخریب قبور ائمه بقیع و دیگر قبور هم چنین قبر ابراهیم فرزند پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - قبور زنان آن حضرت، قبر ام البنین مادر حضرت ابوالفضل العباس - علیه السلام - و قبر عبدالله پدر پیامبر و اسماعیل فرزند امام صادق - علیه السلام - و بسیاری قبور دیگر پرداختند. ضریح فولادی ائمه بقیع را که در اصفهان ساخته شده بود و روی قبور حضرات معصومین امام مجتبی، امام سجاد، امام باقر و امام صادق - علیهم السلام - قرار داشت را از جا در آورده، بردند. اما این اولین حمله آنان به مدینه نبود. آنان در سال ۱۲۲۱ هجری نیز یک بار دیگر به مدینه هجوم برده، پس از یک سال و نیم محاصره توانسته بودند آن شهر را تصرف کنند و پس از تصرف اقدام به غارت اشیای گرانبهای حرم پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - و تخریب و غارت قبرستان بقیع نمودند.

ص: ۹

طبق نقل تاریخی آن‌ها در این حمله چهر صندوق مملو از جواهرات مرصع به الماس و یاقوت گرانها و حدود یکصد قبضه شمشیر با غلاف‌های مطلا به طلای خالص و تزیین شده به الماس و یاقوت و... به یغما بردند. و این نیز نخستین حمله آنان به مقدسات اسلامی نبود. صلاح الدین مختار نویسنده و مورخ وهابی در کتاب "تاریخ امملکه العربیه السعودیه کما عرفت" بخشی از افتخارات وهابیت در حمله به کربلای معلی را چنین شرح می‌دهد: در سال ۱۲۱۶ امیرسعود در رأس نیروهای بسیاری از مردم نجد و حبوب و حجاز و تهامه و نواحی دیگر به قصد عراق حرکت نمود و در ماه ذی القعدة به شهر کربلا رسید و آن را محاصره کرد. سپاه مذکور باروی شهر را خراب کردند و به زور وارد شهر شدند. بیشتر مردم را در کوچه و بازار و خانه‌ها به قتل رسانیدند و نزدیک ظهر با اموال و غنائم فراوان از شهر خارج شدند، سپس در محلی به نام ایض گرد آمدند. خمس اموال را خود سعود برداشت و بقیه را به هر پیاده یک سهم و به هر سوار دو سهم قسمت کرد. (چون به نظر آنها جنگ با کفار بود)

عثمان بن بشر از دیگر مورخان وهابی درباره حمله به کربلا چنین می‌نویسد "...: گنبد روی قبر (یعنی قبر امام حسین علیه السلام) را ویران ساختند و صندوق روی قبر را که زمرد و یاقوت و جواهرات دیگر در آن نشانده بودند، بر گرفتند و آنچه در شهر از مال و سلاح و لباس و فرش و طلا و نقره و قرآن‌های نفیس و جز آن‌ها یافتند، غارت کردند و نزدیک ظهر از شهر بیرون رفتند در حالی که قریب به ۲ تن از اهالی کربلا را کشته بودند".

جالب این جاست که مورخ مزبور نام کتاب خود را "عنوان المجد فی تاریخ نجد" گذاشته و از این وقایع به عنوان نشانه های مجد و شکوه و عظمت وهابیت یاد کرده است!

اما این فقط شیعیان و اماکن مقدسه آن ها نبودند که وهابیان آثار مجد و شکوه خود را در آن به نمایش گذاشته اند، مکه مکرمه و طائف نیز از حملات آنان در امام نماند. "جمیل صدقی زهاوی" در خصوص فتح طائف می نویسد: "طفل شیرخواره را بر روی سینه مادرش سر بریدند، جمعی را که مشغول فراگیری قرآن بودند کشتند، چون در خانه ها کسی باقی نماند، به دکان ها و مساجد رفتند و هر کس بود، حتی گروهی را که در حال رکوع و سجود بودند، کشتند. کتاب ها را که در میان آن ها تعدادی مصحف شریف و نسخه هایی از صحیح بخاری و مسلم و دیگر کتب فقه و حدیث بود، در کوچه و بازارافکندند و آنها را پیمال کردند."

سرزدن این قبیل امور از پیروان محمد بن عبدالوهاب شگفت نیست! تابعان کسی که همه مسلمانان را کافر و مشرک می دانست و مکه و مدینه را قبل از آنکه به دست وهابیان بیافتد، دارالحرب و دارالکفر! می دانست. در کتاب "الدرالسنیه" می خوانیم:

"وی - محمد بن عبدالوهاب - از صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و اله نهی می کرد و از شنیدن آن ناراحت می شد. صلوات فرستنده را اذیت می کرد و به سخت ترین وجه مجازات می نمود.

حتی او دستور داد مرد نایبای متدینی را که مؤذن بود و صوت خوشی داشت، چون به حرف او گوش نداده، بر پیامبر صلی الله علیه و اله صلوات فرستاده بود، به قتل رسانند. بسیاری از کتب مربوط به صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و اله را به آتش کشید و به هریک از پیروانش اجازه می داد قرآن را مطابق فهم خود تفسیر کند."

محمد بن عبدالوهاب به نوبه ی خود در اعتقادات پیرو "ابن تیمیه حنبلی" است، که در قرن هشتم هجری می زیسته است، از ابن تیمیه عقاید جالبی نقل شده است. از جمله اینکه او خدا را جسم می دانست! برای ذات مقدس خداوند دست و پا و چشم و زبان و دهان قائل بود! ابن بطوطه جهانگرد معروف در سفرنامه ی خود می گوید: "ابن تیمیه را بر منبر مسجد جامع دمشق دیدم که مردم را موعظه می کرد و می گفت: خداوند به آسمان دنیا می آید، همان گونه که من اکنون فرود می آیم! سپس یک پله از منبر پائین می آمد!"

عقاید او آنچنان سخیف و بی مقدار بود که خود اهل سنت وی را به زندان افکندند و در رد او کتب متعددی را به رشته تحریر درآوردند.

این قطره ای کوچک از مرداب اعتقادات و عملکرد وهابیان در طول این سالیان است. در طول این دوران دانشمندان زیادی چه شیعه و چه سنی به نقد عقاید وهابیت دست زده اند و به شبهات گوناگون آنان پاسخ داده اند. یکی از شبهات آنان مسأله ی بناء بر قبور است. آن ها ساختن بنا اعم از مسجد یا غیر آن را بر قبر حرام می دانند. در این نوشتار سعی می کنیم پاسخی مناسب به شبهه ی مذکور بدهیم. نخست آنکه: این شبهه ی آنان را صریح آیه ی ۲۱ سوره کهف دفع می نماید، که در خصوص ماجرای اصحاب کهف از قول مومنانی که می خواستند یاد اصحاب کهف را گرامی دارند می فرماید: *لَتَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا* (بی تردید بر روی قبور آنان مسجدی بنا می کنیم) دوم آنکه: هنگام ظهور اسلام و در دوران فتوحان اسلامی بناهایی بر قبور انبیاء گذشته وجود داشت. از جمله می توان به قبر حضرت داوود و حضرت موسی در بیت المقدس اشاره نمود. جالب اینجاست که خلیفه دوم که طبق نظر این آقایان از صحابه است و معصوم، خود برای انعقاد پیمان صلح به بیت المقدس رفت و پس از تسلط بر آن شهر، اقدامی در راستای از بین بردن این قبور به عمل نیاورد...

اما به راستی قومی که در تاریخ نه چندان طولانی خود، چنان که از زبان مورخین خودشان شنیدیم قرآن ها را در خیابان ها لگد مال ساختند و در قتل عام پیروان علی علیه السلام و سایر خلفا فرقی نگذاشتند و مجد خود را در غارت و قتل جستجو می کردند، شایستگی این را دارند که مخاطب یک استدلال قرآنی و یا حتی تاریخی قرار گیرند؟!

عقائد مشترک و هابیون و دشمنان غدیر

ترور شخصیت‌های الهی

شخصیت پیامبر صلی الله علیه و آله

توسط دشمنان غدیر

ترور شخصیت پیامبر صلی الله علیه و آله توسط اهل سقیفه

ابلاغ جهانی غدیر و مسئله جانشینی بلافضل امیرالمؤمنین علی علیه السلام آنقدر بر اصحاب صحیفه ملعونه گران آمد که دستور دادند دو تن از همسران رسول خدا که قرآن با لعن و نفرین از آنها یاد می کند با زهر جفا، خاتم الانبیاء را مسموم و به شهادت برسانند و بدین صورت شخص رسول خدا صلی الله علیه و آله ترور گردید.

اهل سقیفه با شکستن حرمت شخصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و پایین آوردن آن سعی کردند به اهداف پلید خود برسند از جمله کارهایی که کردند اینکه، در لحظات آخر عمر شریف آنحضرت، ایشان را هذیان گو معرفی نموده و با شکستن حرمت شخصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله (مقام نبوت)، مصیبت بزرگی را برای اسلام ایجاد نمودند که برای آن جبرانی نخواهد بود. حضرت زهرا علیها السلام در خطبه فدکیه در شکوه از اهل سقیفه به این موضوع پرداخته و چنین میفرمایند:

(...و أزيلت الحرمه عند مماته فتلك و الله النازله الكبرى و المصیبه العظمی؛ هنگام درگذشت آن جناب حرمت از میان رفت، و به خدا قسم این است مصیبت بزرگ و فاجعه جبران ناپذیر است...) مصیبت هم مسموم نمودن آن حضرت است و شهادت ایشان وهم اهانت به ایشان در لحظه شهادت.

این مطلب در هر دو صحیح [مسلم و بخاری] از ابن عباس نقل شده که می گفته است: ای وای از روز پنجشنبه و چه روز پنجشنبه بی بود ابن عباس سپس چندان گریست که اشکهایش شنها را خیس کرد، ما گفتیم: ای ابن عباس در پنجشنبه چه اتفاقی افتاده است گفت: در آن روز که پیامبر (صلی الله علیه و آله) محضر شد، در خانه، تنی چند از جمله عمر بن خطاب حضور داشتند. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: بیاید تا برای شما نامه‌ی بنویسم که پس از آن گمراه نشوید، عمر گفت: درد و بیماری بر پیامبر غلبه پیدا کرده است، قرآن پیش شماست و کتاب خدا ما را کافی است. برخی از حاضران گفتند چنین است و برخی گفتند نه و اختلاف پیدا کردند، و همچنان برخی می گفتند: کاغذ بیاورید تا برای شما نامه‌ی بنویسد که پس از او هرگز گمراه نشوید، و برخی می گفتند: سخن درست همان است که عمر می گوید، و چون در محضر پیامبر یاوه سرایی و اختلاف بسیار کردند، پیامبر (صلی الله علیه و آله) به آنان فرمود: برخیزید، و برخاستند، و ابن عباس می گفته است: مصیبت و تمام مصیبت در این بوده است که مانع آن شدند تا پیامبر آن نامه را برای شما بنویسد. (۱)

پیامبری را که قرآن در سوره نجم آیه ۴۳ مورد تکریم و تمجید قرار می دهد و می فرماید: ما ینطق عن الهوی ان هو الا-وحی یوحی، عمر بن الخطاب او را به هذیان گویی متهم می کند! و شخصیت پیامبر را مورد هجمه قرار می دهد و کلام پیامبر را از حجیت ساقط میکند.

این برخورد سقیفه نشینان در حیات پیامبر، و امروزه وهابیون هم با الگو گرفتن از اسلافشان پیامبر را مرده معرفی می کنند و استمداد و کمک خواستن از او را شرک معرفی می کنند!

(۱): جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱، صفحه ۲۳۱

توسط وهابیون

ترور شخصیت پیامبر صلی الله علیه و آله توسط وهابیت

وهابیت در طول حدود دو قرن اخیر جنایات زیادی نموده اند که همه آنها نتیجه ی تفکر اهل سقیفه میباشد. وهابیون برای ترور شخصیت پیامبر صلی الله علیه و آله زیارت ایشان را منع کرده و بین قبر مطهر آنحضرت و دیگر قبور تفاوتی نمیگذارند و بنابراین به بهانه های مختلف زیارت قبور پیامبران و صالحان بلکه هر گونه تکریم و بزرگداشت آنان را حرام و موجب شرک می دانند.

«ابن تیمیه» می گوید: «فمن جعل سفره إلى مسجد الرسول صلی الله علیه وسلم وقبره كالسفر إلى قبور هؤلاء والمساجد التي عندهم فقد خالف إجماع المسلمين وخرج عن شریعه سید المرسلین» (۱)

هر کس سفرش را به قصد زیارت قبر رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) انجام دهد، مثل کسانی که به قصد زیارت قبور پیشوایانشان در مدینه و مساجدی که اطراف آن است سفر می کنند، با اجماع مسلمانان مخالفت نموده و از شریعت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) خارج شده است.

از دیگر جنایاتی که این فرقه ضاله در بی حرمتی به شخصیت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) انجام داده اند اینکه، آنها با انحرافات که در دین اسلام ایجاد کرده اند و همچنین انجام فعالیت های تروریستی، اذهان غیر مسلمان را به اسلام و شخص رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) بد بین نموده اند و به دروغ بر پیروی از سنت نبوی ادعا باطل میکنند.

حضور در حرم پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرين گذشته از این که قدرشناسی از جان فشانی ها و فداکاری های آنهاست، بیعت با آن حضرات و نشان پایداری بر آرمان های آنها به شمار می رود. این مطلب از امام هشتم علیه السلام وارد شده است:

«إِنَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْدًا فِي عُنُقِ أَوْلِيَائِهِ وَ شِيعَتِهِ وَ إِنَّ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ زِيَارَةَ قُبُورِهِمْ»

«هر امامی بر گردن دوستان و شیعیان خویش پیمانی دارد و زیارت قبور پیشوایان، بخشی از عمل به این پیمان است.» (۲)

نه تنها پیامبر صلی الله علیه و آله به طور شفاهی، یاران را به زیارت قبور می خواند، بلکه خود نیز عملاً به زیارت آنها می رفت.

مُسلِم در صحیح خود نقل می کند: عایشه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله در آخرین بخش شب، خانه را به قصد زیارت بقیع ترک می کرد و آنگاه وارد این سرزمین می شد و با آرمیدگان در دل خاک چنین می گفت:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ دَارَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ وَ أَتَاكُمْ مَا تُوْعَدُونَ غَدًا مُؤَجَّلُونَ وَ إِنَّا إِنْ شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِأَهْلِ الْبَقِيعِ الْعَرَقِدِ. (۳)

درود بر شما ای ساکنان خانه افراد باایمان! آن چه که به وقوع آن در آینده وعده داده می شدید، سراغ شما آمد (و شما میان مرگ و روز رستاخیز به سر می برید.) ما نیز به شما خواهیم پیوست. پروردگارا! اهل بقیع غرقد را بیامرز!

نه تنها خود پیامبر صلی الله علیه و آله به زیارت آنها می شتافت، حتی همسر خود را نیز تعلیم و آموزش داد که آنها را این چنین زیارت کند:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُسْلِمِينَ وَ يَرْحَمُ اللَّهُ الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنَّا وَ الْمُسْتَأْخِرِينَ وَ إِنَّا إِنْ شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ. (۴)

درود بر ساکنان مؤمن و مسلمان این سرزمین! خداوند همه مؤمنان را چه آنها که قبلاً در گذشته اند و چه آنها که بعداً در خواهند گذشت رحمت کند، ما نیز به خواست خدا به شما خواهیم پیوست.

همسر رسول خدا و دخت گرامی پیامبر، فاطمه زهرا علیها السلام به زیارت قبور می رفتند و احدی بر آنان ایراد نمی گرفت، ولی اکنون باب زیارت قبور بقیع به روی زنان بسته است. این یک نوع تناقض بین سنت صحابه و رفتار دستگاه های دینی برخی کشورهاست. آیا حکم خدا در قرن چهاردهم دگرگون شده است؟ چرا باید زنان از آثار سازنده زیارت قبور، آن هم زیارت شهیدان و اولیا محروم باشند؟!

تقی الدین سبکی شافعی (م ۷۵۶) از فقیهان چیره دستی است که عقاید ابن تیمیه را در مورد عدم استحباب زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله نقد کرده و کتابی به نام «شفاء السقام فی زیاره خیر الأنام» نوشته است. وی در این کتاب، احادیثی را که محدثان درباره زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده اند گردآورده است که می تواند مسأله را به حد تواتر برساند. حتی مفتی سابق عربستان سعودی - عبدالعزیز بن باز - به این خیل پیوسته و صریحاً به استحباب زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله فتوا داده است.

ما در این جا فقط به نقل چند روایت می پردازیم.

عبدالله بن عمر از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند:

مَنْ زَارَ قَبْرِي وَجَبَتْ لَهُ شَفَاعَتِي (۵)

هر کس قبر مرا زیارت کند حتماً او را شفاعت خواهم کرد.

امام محمد باقر علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند:

مَنْ زَارَنِي حَيًّا وَ مَيِّتًا كُنْتُ لَهُ شَفِيعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ (۶)

هر کس مرا زنده یا مرده زیارت کند او را شفاعت خواهم کرد.

امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید:

أَتَمُّوا بِرَسُولِ اللَّهِ حَجَّكُمْ إِذَا خَرَجْتُمْ إِلَى بَيْتِ اللَّهِ فَإِنَّ تَرْكَهُ جَفَاءٌ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُمْ وَاتَّمُوا بِالْقُبُورِ الَّتِي أَلَزَمَكُمْ اللَّهُ زِيَارَتَهَا وَحَقَّهَا. (۷)

زمانی که آهنگ زیارت خانه خدا کردید حج خود را با زیارت مرقد پیامبر صلی الله علیه و آله به پایان برسانید زیرا ترک زیارت مرقد او جفا بر آن حضرت است و شما به این کار مأمور شده اید و نیز با زیارت قبوری که به زیارت آنها ملزم شده اید حج خود را به پایان برسانید.

روی این اساس، همه مسلمانان جهان، در ایام حج، برنامه سفر خود را طوری تنظیم می کنند که یا در رفتن و یا به هنگام برگشتن، به زیارت مرقد پیامبر صلی الله علیه و آله موفق شوند.

چه بسا راه دوری را برمی گزینند تا به این هدف جامه عمل بپوشانند. (۸)

حاکم نیشابوری (متوفای ۴۰۵ هـ) از داود بن ابو صالح نقل می کند:

روزی مروان حکم دید که شخصی صورت خود را بر قبر پیامبر صلی الله علیه و آله گذاشته است، با شتاب سوی او آمد و گردن او را گرفته، از جای بلند کرد و گفت: می دانی چه می کنی؟! منظور وی این بود که چرا به زیارت سنگ و کلوخ آمده ای! زائر که ابو ایوب انصاری - از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله بود گفت: آری خوب می دانم که چه می کنم! من هرگز به زیارت سنگ نیامده ام، بلکه به زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله آمده ام.

از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: «بر دین خدا گریه نکنید اگر متولیان اهل بودند، و آنگاه که نااهلان بر آن حکم راندند، برایش بگریید.»

جالب است که این حدیث را حاکم و ذهبی هر دو صحیح می دانند!

از این رخداد تاریخی به خوبی روشن می شود که ریشه این تفکر از بنی امیه و به خصوص مروان بن حکم؛ همان طرد شده رسول الله صلی الله علیه و آله است. (۹)

گروه وهابی تبرک به آثار اولیاء را شرک می دانند و کسی را که محراب و منبر پیامبر را ببوسد مشرک می خوانند هر چند در آن به هیچ نوع الوهیت معتقد نباشد!

امام مسلمانان به آثار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از قبیل: موی آن حضرت، آب وضو، لباس، ظروف و بدن مطهر آن حضرت و ... تبرک می جستند، تا اینکه به صورت سنتی در بین صحابه در آمد و سپس تابعین و صالحین در عصرهای بعدی از آنان پیروی نمودند.

ابن هشام در کتاب خود، در ضمن فصلی که برای صلح حدیبیه گشوده است می نویسد: قریش، عروه ابن مسعود ثقفی را به نزد پیامبر فرستادند. او مدتی در محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نشست و پس از آنکه از قصد پیامبر برای حرکت به طرف مکه خبر دار شد، به سوی قریش بازگشت و از آنچه دیده بود گزارش داد و گفت: وقتی محمد وضو می گیرد اصحابش برای گرفتن آب وضوی او از یکدیگر سبقت می گیرند و هر مویی که از سر او می افتد بر می دارند ... سپس ادامه داد: ای قبیله قریش! من، کسری، قیصر و نجاشی را فرمانبردار حکومت او دیدم. به خدا سوگند هرگز فرمانروایی را در میان قوم خود، مانند محمد در بین یارانش ندیدم.

من گروهی را دیدم که به هیچ قیمتی حاضر به تسلیم محمد نیستند، اینک خود دانید! (۱۰)

بسیاری از اندیشمندان مسلمان، وقایعی را که در زمینه تبرک صحابه به آثار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رخ داده است، ثبت و ضبط کرده و کتاب‌نویسه‌اند. محور این کتاب‌ها پیرامون: تبرک با کام برداری اطفال به وسیله پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، تبرک به وسیله مسح یا مس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، استفاده از آب وضو و غسل و باقیمانده خوردنیها و نوشیدنیهای آن حضرت است.

البته تبرک جستن صحابه منحصر در این موارد نیست، آنان از آبی که حضرت در آن دست کرده یا از آن نوشیده، مو، عرق، ناخن، ظرف آب، منبر، سکه‌های طلایی که به کسی داده بودند و بالاخره به قبر آن حضرت تبرک می‌جستند و با گذاردن گونه‌های خود بر تربت پاک آن حضرت، اشک می‌ریختند.

علامه محقق، محمد طاهر ابن عبدالقادر، از علمای مکه مکرمه، کتابی با عنوان «تبرک الصیحه» نگاشته است. در بخشی از این کتاب آمده است:

«صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که الگوی هدایت یافتگان و صالحانند، بر تبرک به آثار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، اتفاق نظر دارند. آنان خود از مو، آب وضو، عرق، لباس، ظروف، تماس با بدن آن حضرت و ... تبرک می‌یافتند. اینگونه تبرک‌ها در زمان آن حضرت انجام می‌شد و ایشان با عدم مخالفتشان، آن را تأیید می‌کردند و این خود دلیل محکمی بر مشروعیت این اعمال است و اگر مشروعیت نداشت و مورد تأیید آن حضرت نبود، قطعاً پیامبر از آن نهی می‌کردند و جلوگیری می‌نمودند.

احادیث صحیح و اجماع صحابه، علاوه بر آنکه دلیل مشروعیت تبرک به آثار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است، دلیل بر ایمان قوی، شدت محبت، علاقه و اطاعت صحابه نسبت به رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است. (۱۱)

(۱) نقدی بر وهابیت، ص: ۳۰

(۲) پاسداری از مرقد پیامبران و امامان، آیت الله جعفر سبحانی ص: ۱۸

(۳) صحیح مسلم، ج ۳، ص ۶۳، کتاب جنائز.

(۴) صحیح مسلم، ج ۳، ص ۶۴، کتاب جنائز.

(۵) سنن دارقطنی، ج ۲، ص ۷۸، باب المواقیف.

(۶) قرب الاسناد، ۳.

(۷) خصال صدوق، ج ۲، ص ۴۰۶.

(۸) پاسداری از مرقد پیامبران و امامان، آیت الله جعفر سبحانی ص: ۲۳ تا ۲۱

(۹) مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۵۶۰.

(۱۰) السیره النبویه: ۲ / ۳۱۴، صلح حدیبیه.

(۱۱) مرزهای توحید و شرک، نویسنده: آیت الله جعفر سبحانی، ص: ۱۷۵ تا ۱۷۷

شخصیت امیرالمومنین علیه السلام

توسط دشمنان غدیر

علی علیه السلام در کنار بستر پیامبر

از امیرالمومنین علیه السلام روایت شده که فرمود: در لحظات آخر عمر پیامبر، من و فاطمه و حسن و حسین در حضور پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بودیم ناگاه آن حضرت متوجه ما و مشغول گریه شد! من گفتم: یا رسول الله! چه باعث گریه شما شد؟ فرمود: برای آن ظلم و ستمهایی که بعد از من به شما میرسد گریان شدم، گفتم: کدام ظلم و ستمها؟! فرمود: گریه میکنم برای آن ضربتی که بر فرق تو خواهد رسید و آن سیلی که بر صورت فاطمه خواهد خورد و آن خنجری که بران حسن فرو میرود و زهری که میخورد و شهید شدن حسین. (۱)

این نمونه ای از جنایات دشمنان با اهل بیت نبی طبق خبر پیامبر می باشد و تابعین آنها یعنی وهابیت هم به تبعیت از آنها با تخریب قبور قبرستان بقیع بغض و کینه خود و بی ادبی خود را نسبت به اهل البیت پیامبر نشان دادند.

(۱) زندگانی حضرت امام حسن علیه السلام، علامه مجلسی ص: ۱۵۹

از زبان خود مولا

امیرالمومنین علیه السلام از حوادث بعد از ترور شخصیت پیامبر صلی الله علیه وآله ، در مورد ترور شخصیت خود به دست خلفاء چنین می فرماید: فَإِنَهُمْ قَطَعُوا رَحْمِي وَأَضَاعُوا أَيَّامِي وَصَغَرُوا عَظِيمَ مَنْزِلَتِي

بار خدایا از تو در برابر قریش یاری می خواهم. آنها پیوند خویشاوندی من بریدند و سهم من به هدر دادند و منزلت عظیم مرا خرد شمردند .

الغارات / ترجمه آیتی، ص: ۱۱۱

در شورای شش نفری

بعد از بیست و پنج سال در ترکیب شوری او راهم ردیف عثمان و عبدالرحمن ابن عوف و طلحه و زبیر و سعد بن ابی وقاص قرار داد که خود حضرت علی (علیه السلام) این معنی را به صورت ظریفی بیان می فرماید: «حتی اذا مضی لسیله جَعَلَهَا فِي جَمَاعَةِ زَعَمَ أَنِّي أَحَدُهُمْ فَيَاللَّهِ وَ لِلشُّورَى ۛ» تا این که عمر بن خطاب هم به راه خود رفت و زندگی او سپری شد. او خلافت را به جماعتی وانهاد که مرا هم یکی از آنها قرار داد. بار خدایا! از تو یاری می خواهم برای شورایی که تشکیل شد.

حضرت جملاتی را بیان می کنند و سپس ادامه می دهند: «فَصَغَى رَجُلٌ مِنْهُمْ لِصُغْنِهِ وَمَالَ الْآخِرِ لِصُغْرِهِ مَعَ هَنْ وَ هَنْ ۛ» یکی از افراد شورا به خاطر کینه و حسدی که داشت از من روی برتافت و راه باطل را در پیش گرفت مقصود حضرت، سعد بن ابی وقاص است که حتی بعد از به خلافت رسیدن امیرمؤمنان (علیه السلام) با آن حضرت بیعت نکرد و مرد دیگر به خاطر دامادی و خویشی خود با عثمان از من اعراض کرد مراد عبدالرحمن بن عوف است که شوهر خواهر مادری عثمان بود. (۱) هم چنین اعراض دیگران طلحه و زبیر دلایلی دارد که ذکر آن خوشایند نیست. واقعیت این است که این شورا معایب فراوانی داشته که از دید اهل نظر دور نمانده است و کسانی مانند قاضی افندی صاحب کتاب تشریح و محاکمه در تاریخ آل محمد (صلی الله علیه وآله) به آن پرداخته اند. به طور مثال خلیفه دوم می گوید: اگر پنج نفر متحد و متفق شدند و یکی مخالفت کرد، او را بکشید، اگر سه نفر موافق بودند و سه نفر مخالف، آن جمعی که عبدالرحمان بن عوف در میان آنهاست برگزینید و سه نفر دیگر را بکشید. در این مورد مورخ معروف و شارح نهج البلاغه ابن ابی الحدید می نویسد: «ثم قال ای عمر اُدْعُوا إِلَيَّ اباطلحه الانصاری فدعوه له فقال: أنظر يا ابا طلحه اذا عُدْتُمْ مِنْ حُفْرَتِي فَكُنْ فِي خَمْسِينَ رَجُلًا- مِنَ الْانصارِ حَامِلِي سِيُوفِكُمْ فَخُذْ هَوْلَاءَ الْنَفَرِ بامضاء الامر و تعجيلة، و اَجْمِعُهُمْ فِي بَيْتِ، وَ قِفْ بِاصْحَابِكَ عَلَيَّ بَابِ الْبَيْتِ لِيَتَشَاوَرُوا وَيَخْتَارُوا وَاحِدًا مِنْهُمْ، فَاِنْ اتَّفَقَ خَمْسَةٌ وَ ابِي وَاحِدًا فَاضْرِبْ عُنُقَهُ، وَ اِنْ اتَّفَقَ اَرْبَعَةٌ، وَ ابِي اِثْنَانِ فَاضْرِبْ اَعْنَاقَهُمَا، وَ اِنْ اتَّفَقَ ثَلَاثَةٌ وَ خَالَفَ ثَلَاثَةٌ فَانظُرِ الثَّلَاثَةَ الَّتِي فِيهَا عَبْدِ الرَّحْمَنِ فَارْجِعْ اِلَيْ مَا قَدْ اتَّفَقْتُ عَلَيْهِ، فَاِنْ اَصْرَبَتِ الثَّلَاثَةُ الْاُخْرَى عَلَيَّ خَلَاْفَهَا فَاضْرِبْ اَعْنَاقَهَا، وَ اِنْ مَضَتْ ثَلَاثَةٌ اِيَّامٍ وَ لَمْ يَتَّفِقُوا عَلَيَّ اَمْرًا فَاضْرِبْ اَعْنَاقَ السِّتَةِ وَ دَعِ الْمُسْلِمِينَ يَخْتَارُوا لِنَفْسِهِمْ ۛ» عمر، ابوطلحه انصاری را به حضور طلبید و گفت: وقتی از نزد من رفتید همراه پنجاه نفر از انصار، با شمشیرهای آماده مراقب آن شش نفر باشید تا به سرعت کار خود را انجام دهند و یک نفر را برگزینند. اگر پنج نفر آنان متفق شدند و یک نفر مخالفت کرد او را بکش ۛ اگر چهار نفر موافق بودند و دو نفر مخالفت کردند، آن دو نفر را به قتل برسان و اگر سه نفر با هم موافقت کرده و سه نفر دیگر مخالفت کردند، رأی آن جمعی را که عبدالرحمان بن عوف در میان آنان است برگزین و اگر آن جمع دیگر بر مخالفت

خود اصرار ورزیدند گردن آنها را بزن و اگر سه روز گذشت و هیچ تصمیمی نگرفتند همه آنان را بکش و کار را به خود مسلمانان واگذار. (۲)

ص: ۲۲

(۱) نهج البلاغه، خطبه ۳

(۲): شرح نهج البلاغه (ابن ابی الحدید)، ج ۱، صفحه ۱۸۷

در نامه ۹ نهج البلاغه

در نامه ۹ به معاویه نوشت: (شگفتا از روزگار، که کسی را همتای من دانند که چون من گام برنداشته و سابقه درخشانی مانند من ندارد سابقه ای که احدی نیز مدعی آن نیست مگر آن مدعی که من نمی شناسمش و نپندارم که خدا هم او را بشناسد! سپاس خدا را بر همه حال). آری، شگفتا از مردمی که علی مظلوم علیه السلام را که جان پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم و همتای قرآن است با گروهی از مردم بی سر و پا و اوباش قیاس کردند! گویی گوششان سنگین بود و این سخن پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم را نشنیدند که فرمود: (علی بن ابی طالب از من است و من از علی، هر که او را با دیگری قیاس کند به من جفا کرده، و هر که به من جفا کند مرا آزرده است. ای عبد الرحمن، خداوند کتاب روشنی را بر من فر فرستاد و مرا فرمود که آنچه برای مردم نازل شده برایشان بیان دارم جز برای علی بن ابی طالب که نیازمند به بیان و توضیح نیست، زیرا خدای متعال فصاحت او را چون فصاحت من ساخته و فهم او را مانند فهم من قرار داده است، و اگر حلم مجسم می شد به صورت علی در می آمد، و اگر عقل مجسم می شد به صورت حسن می شد، و اگر جود و سخا مجسم می شد به شکل حسین می گشت، و اگر زیبایی مجسم می شد صورت فاطمه را به خود می گرفت بلکه باز هم فاطمه بزرگتر است، همانا دخترم فاطمه در نژاد و شرف و کرامت بهترین مردم روی زمین است).

ص: ۲۳

نهج البلاغه : نامه ۹

توسط وهابیون

تخریب مسجد غدیر خم

یکی از جنایات در مورد تخریب شخصیت توسط وهابیون از محو اسناد و سوزاندن آنها میباشد که، واقعه مهم تاریخی غدیر خم از این نوع میباشد. وهابیون باز بین بردن این آثار میخواهند بگویند، واقعه ای بنام غدیر خم وجود نداشته و ادعای علی علیه السلام در مورد خلافت بی مورد بوده و شخصیت علی علیه السلام با اهل سقیفه و شورای شش تفاوتی نداشته و با این کار آنحضرت را در رتبه خودشان قرار داده و بزرگترین جنایت را مرتکب شده اند. بنا بر مسجد غدیر باید تخریب می گردد تا بزرگترین فضیلت الهی برای امیرالمومنین علی علیه السلام به ظاهر محو گردد.

سید حیدر کاظمی متوفای ۱۲۶۵ق در کتاب عمده الزائر می گوید از مساجد شریفه مسجد غدیر خم است و این مسجد نزدیک جحفه است که امروزه به نام رابع خوانده می شود. دیوار های این مسجد تا امروز باقیست و سابقه ان مشهور و مشخص است. راه حج غالباً از غدیر بوده ولی ناصبیان برای مخفی کردن این فضیلت جاده را تغییر داده اند اگر چه غدیر به جاده کنونی هم نزدیک است. (۱)

مسجد غدیر خم که وسعتی بالغ بر ۵۰ متر مربع داشت در منطقه غدیر خم در دو دهه اخیر به دست افراد خیر و نیکوکار ساخته شده که نشانگر وجود اهمیت این منطقه بود و افراد بومی و زائران در ان جا نماز می خواندند. افراطیون سلفی این بنای مقدس را که در ۱۲ کیلومتری مسجد جحفه است در اقدامی شبانه به ویرانه ای تبدیل کردند. (۲)

(۱) غدیر کجاست؟ ص ۵۹

(۲) برگرفته از پایگاه اطلاع رسانی شیعیان

ویرانه کردن سرزمین فدک و تعویض نام آن

ص: ۲۴

فدک مال شخصی همسر علی علیه السلام بود و بی حرمتی به آن، اهانت به علی علیه السلام میباید سرزمین فدک با وجود اینکه هنوز به حضرت زهرا سلام الله علیها منسوب است و چشمه های، باغها، مسجد و دیگر بناهای آن بنام آنحضرت متبرک است؛ در این زمان با آن وسعت و استعداد برای ایجاد منطقه ای اقتصادی بدلیل منسوب بودن به حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها تعمداً بدست فراموشی سپرده میشود و ویرانه ای از آن بجا مانده و از چشم زائران بدور میماند مبادا که یاد و خاطره این سرزمین و وقایع پیرامون آن، از جمله ظلمی که در حق حضرت زهرا سلام الله علیها روا داشتند تداعی نگردد... و اینکه مبادا یاد و خاطره شهیده دفاع از غدیر و صاحب آن مرور گردد.

از دیگر خیانتهایی که در این راستا آل سعود وهابی در مورد فدک انجام داده اند اینه نام سرزمین فدک را به (حائط) تغییر داده اند که نام فدک هم از زبانها محو گردد

تخریب بیت الأحزان

بیت الأحزان یادآور شکوه ها و گریه های دختر پیامبر بوده که از بی وفایی مردم مدینه به گوش میرسید، مردمی که امام زمان خود و جانشین پیامبر را رها نموده و شخص دیگری را بعنوان رهبر و امام خود برگزیده و گمراه شده اند .

و هابیون با تخریب بیت الأحزان این صدارا به ظاهر خاموش کرده و مانع از رسیدن صدای مظلومیت علی علیه السلام و مدافع آن، به گوش مردم شده اند. و این اهانت به شخصیت علی علیه السلام است.

مرحوم علامه، سید عبدالحسین شرف الدین، بیت الأحزان را پنج سال قبل از تخریب، زیارت و به تناسب بحثی در کتاب خود «النص والاجتهاد» به این مطلب تصریح نموده است که گفتار او را می آوریم:

«... سپس علی بن ابی طالب علیه السلام در بقیع محلی را آماده ساخت که فاطمه زهرا سلام الله علیها برای گریه کردن، بدانجا می آمد و بیت الأحران نامیده می شد و شیعیان در طول تاریخ، این بیت را همانند مشاهد و حریمهای مقدس زیارت می نمودند تا اینکه در این ایام که سال ۱۳۴۴ ه. است، ملک عبدالعزیز بر سرزمین حجاز مسلط و با دستور وی بر اساس پیروی اش از وهابگری، منهدم گردید و در سال ۱۳۳۹ هجری که خداوند توفیق سفر حج و زیارت پیامبر صلی الله علیه وآله و مشاهد اهل بیتش در بقیع را بر من عنایت فرمود، بیت الاحزان را زیارت کردم».

«... و کتا سنه ۱۳۳۹ تشرّفنا بزیاره هذا البیت (بیت الاحزان) ... فی البقیع ...».

تخریب محله بنی هاشم

محله بنی هاشم در مدینه یادآور جنایت اهل سقیفه است که چگونه وحشیانه به بیت وحی هجوم آورده و پس از آتش زدن آن، محسن شش ماهه ی آنحضرت را شهید و مادرش را نیز شهیده کردند و چگونه با بی حیایی تمام ریسمان به گردن وصی پیامبر یعنی علی علیه السلام انداختند و می کشیدند و در مقابل او همسرش را میزدند .

و هابیون باید به هر شکل ممکن جنایات اربابان خود را به ظاهر پاک نمایند و برای این منظور بهترین کار را محو این آثار دانسته و باین کار بزرگترین سرپوش را روی جنایات اهل سقیفه گذاشته اند و این عمل ننگین بی حرمتی به شخصیت اول مظلوم عالم علی علیه السلام میباشد.

مسجد النبی در مدینه درهای متعدد دارد مانند باب جرئیل، باب النساء و ... روبروی باب جرئیل و باب النساء خانه ها و کوچه های تنگ و بسیار قدیمی وجود داشت. این خانه ها و کوچه ها معروف به محله بنی هاشم بود. برخی از این کوچه ها تا قبرستان بقیع امتداد داشت و در دوران های مختلف محفوظ مانده بود و برخی از خانه های آن نیز بازسازی شده بودند. مالکان مغازه ها و دکان های این کوچه از سادات علوی بودند. از سال ۱۳۶۴ هجری شمسی تا ۱۳۶۶ این محله به کلی تخریب و تا قبرستان بقیع باز و محل عبور و مرور زائران شد و بخشی از آن در توسعه شرقی مسجد النبی جزو مسجد شد. همین الان از باب البقیع، قبرستان بقیع به طور مستقیم دیده می شود. در این محله آثار تاریخی هم تخریب شد (تاریخ و آثار اسلامی مکه مکرمه و مدینه منوره، اصغر قائدان، ص ۲۸۹). در این کتاب همه آثار باستانی تخریب شده در توسعه مسجد النبی توضیح داده شده است. محله بنی هاشم در مدینه، در زمان های قدیم از محله های آباد شهر محسوب می شد ولی پس از تسلط آل سعود رو به خرابی گذاشت و در عصر ما این محله از محله های عقب مانده مدینه بود. در این محله به همت ایرانیان مهدیه ای ساخته شد و شیعیان در آن اجتماعات تشکیل می دادند. دولت سعودی مهدیه را تصرف و آن را مدرسه دخترانه کرد. اکثر منازل شیعیان مدینه در این محله بود. این محله را محله شیعیان هم می نامند. بیشتر خانه های نزدیکان پیامبر و امامزادگان در همین محله بود

راهنمای حرمین شریفین، ابراهیم غفاری، ج ۵ - ۴، جزء پنجم، ص ۱۸۴، چاپ اول

بی حرمتی و تخریب مکانهای منصوب به اهل بیت علیهم السلام

قبرستان بقیع

توسط دشمنان غدیر

محمد بن همام می گوید: روایت شده: حضرت فاطمه در روز بیستم ماه جمادی الآخر از دنیا رحلت نمود. عمر مبارکش هجده سال و هشتاد و پنج روز بود. حضرت علی علیه السلام آن بانو را غسل داد. به هنگام غسل دادن وی غیر از حضرت علی علیه السلام، حسنین علیهما السلام، زینب، امّ کلثوم، فضه خادمه و اسماء بنت عمیس کسی دیگر حضور نداشت. آنگاه جنازه آن بانو را شبانه با حضور حسنین علیهما السلام به جانب بقیع حمل نمودند و نماز بر بدن مبارک خواندند، کسی از فوت ایشان مطلع نشد، احدی از مردم بر بدن آن بانو نماز نخواند مگر آن افرادی که گفته شد. علی علیه السلام بدن مبارکش را در روضه مقدسه دفن و موضع قبرش را پنهان کرد. صبح آن شبی که فاطمه علیها السلام را دفن نمودند اثر چهل قبر جدید در قبرستان بقیع مشاهده می شد.

هنگامی که مسلمانان از رحلت حضرت فاطمه آگاه و متوجه بقیع شدند با چهل قبر جدید مواجه گردیدند، نتوانستند قبر حضرت زهرا را از میان آن چهل قبر تشخیص دهند.

عموم مردم از این مصیبت ضجه کردند و یک دیگر را ملامت نمودند و گفتند: پیغمبر شما بیش از یک دختر یادگاری نهاد، فاطمه رحلت کرد و دفن شد و شما به هنگام مردنش حاضر نشدید، نماز بر جنازه اش نگذاشتید و محل قبر او را هم نمی دانید! زعمای قوم گفتند: گروهی از زنان مسلمان را احضار کنید که این قبرها را بشکافند تا جنازه فاطمه را به دست بیاوریم و بر بدن او نماز بخوانیم و قبرش را زیارت کنیم.

ص: ۲۷

هنگامی که خبر این توطئه به گوش حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام رسید، در حالی آمد که خشمناک، چشمان مبارکش سرخ، رگهای گردنش بیرون زده، قبای زرد رنگی پوشیده بود که آن را به هنگام غضب و ناراحتی می پوشید و دست بر ذوالفقار گرفته بود، آمد تا وارد بقیع شد. شخصی به میان مردم رفت و گفت: این علی بن ابی طالب است که با این حالت آمده و سوگند می خورد که اگر یک سنگ از این قبور جابجا شود شمشیر را در میان همه شما بگذارد و تا آخرین نفر شما را نابود نماید.

عمر در حالی که با یارانش بود، با حضرت امیر علیه السلام ملاقات کرد و گفت:

ای ابو الحسن! چه منظور داری؟ به خداوند سوگند ما قبر فاطمه را می شکافیم و بر جنازه اش نماز می گزاریم.

حضرت امیر لباسهای وی را گرفت و او را از جای بر کند و بر زمین زد و فرمود:

ای ابو السوءاء! من حقّ (یعنی مقام خلافت) خود را بدین جهت از دست دادم که مبادا مردم از دین خویش برگردند.

اما در باره قبر فاطمه: به حقّ آن خدایی که جان علی در دست قدرت اوست اگر تو و یارانت راجع به این قبرها عملی انجام دهید زمین را از خون شما سیراب خواهم کرد. عمر! از این خیال در گذر! پس از عمر ابو بکر با حضرت امیر ملاقات نمود و گفت: ای ابو الحسن! تو را به حقّ پیغمبر اسلام و آن کسی که بالای عرش است سوگند می دهم که از عمر دست برداری، زیرا ما از انجام دادن عملی که تو نمی پسندی خودداری می کنیم.

راوی می گوید: علی علیه السلام عمر را رها کرد و مردم پراکنده شدند و به دنبال مقصود خود بازنگشتند.

زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار) ترجمه روحانی، ص: ۵۹۴-۵۹۵

توسط وهابون

بیان تخریب بقیع از صحیح بخاری

از نظر تاریخی تردیدی نیست که صحابه پیامبر صلی الله علیه وآله پس از وفات آن حضرت به آثار بر جا مانده و قبر مطهر آن حضرت تبرک می جستند و استشفای می نمودند. تا جایی که بخاری در صحیح خود بابی را به ذکر این موضوع اختصاص داده و به تبرک جستن صحابه و دیگران به آثار بازمانده از پیامبر صلی الله علیه وآله پس از وفات آن حضرت تصریح کرده است. «۱»

به عنوان نمونه، کاسه ای که پیامبر صلی الله علیه وآله از آن آب نوشیده بود پس از آن حضرت مورد تبرک و استشفای قرار می گرفت، «۲» و کفش ها و جامه آن حضرت به این منظور نگاه داشته می شد. «۳»

و هایت خلاف سنت صحابه که پیامبر صلی الله علیه وآله نهی نفرموده عمل کردند و آثار و مکانهایی که متبرک به قدوم پیامبر صلی الله علیه وآله بوده تخریب نمودند. نمونه بارز آن خراب کردن خانه بیت وحی (خانه حضرت خدیجه) و قبرستان بقیع است.

(۱) ۳. صحیح بخاری، ۴/ ۴۶: باب ما ذکر من درع النبی و عصاه و سیفه و ... من شعره و نعله و آئینه مّا تبرک به أصحابه و غیرهم بعد وفاته.

(۲) ۱. صحیح بخاری، ۶/ ۲۵۲: باب الشرب من قدح النبی و آئینه

(۳) ۲. صحیح بخاری، ۴/ ۴۷

بیانیه علمای مکه و نجد

بیانیه علمای مکه و نجد

ص: ۲۹

علمای مکه در راس آنها، شیخ عبدالقادر شیبی کلیددار خانه کعبه، به دیدن ابن سعود آمدند، ابن سعود سخنانی ایراد کرد و در ضمن آن از دعوت محمد بن عبدالوهاب یاد کرد و اظهار داشت که احکام دینی ما، طبق فقه احمد بن حنبل است، حال اگر این سخنان در نزد شما پذیرفته است، بیایید تا برای عمل کردن به کتاب خدا و سنت خلفای راشدین با یکدیگر بیعت کنیم. همه با او بیعت کردند.

سپس یکی از علمای مکه، از ابن سعود درخواست کرد که مجلسی ترتیب بدهد تا علمای مکه و نجد در اصول و فروع به مباحثه بپردازند، وی این پیشنهاد را پذیرفت و در روز یازدهم جمادی الاولی، پانزده نفر از علمای مکه و هفت نفر از علمای نجد، اجتماع کردند و مدتی باهم بحث کردند و در پایان بیانیه‌ای از طرف علمای مکه صادر شد، مبنی بر این که در پاره‌ای از مسایل اصولی، میان علمای مکه و علمای نجد، موافقت گردید، از جمله این که هر کس میان خود و خدا واسطه قرار دهد، کافر است و تا سه بار توبه داده می‌شود و اگر توبه نکرد، باید کشته شود. دیگر ساختمان بر روی قبور و چراغ روشن کردن در اطراف قبور و نماز خواندن در کنار آنها حرام است. و نیز اگر کسی خدا را به جاه و مقام کسی بخواند، مرتکب بدعت شده و بدعت در اسلام حرام است. (۱)

ویران ساختن مقابر و مشاهد حجاز به دست وهابی‌ها

وقتی که وهابی‌ها وارد طائف شدند، گنبد مدفن ابن عباس را خراب کردند، چنان که این کار را یکبار دیگر نیز انجام داده بودند و هنگامی که وارد مکه شدند، قبه‌های قبرهای عبدالمطلب جد پیامبر صلی الله علیه و آله و ابوطالب عموی پیامبر و خدیجه ام المؤمنین (همسر پیامبر) و همچنین بنای زادگاه پیامبر و فاطمه زهرا علیها السلام را با خاک یکسان نمودند.

در جده قبه قبر حوا را ویران ساختند و به طور کلی تمام مقابر و مزارات را در مکه، جده و طائف و نواحی آنها از بین بردند و زمانی هم که مدینه را محاصره کرده بودند، مسجد و مزار حمزه و مقبره شهدای احد را که بیرون شهر بود، خراب کردند.

مرحوم علامه امین می نویسد:

«و شایع است که آنها گنبد مرقد مطهر نبوی را هم به توپ بستند، اما خود وهابی ها منکر چنین چیزی هستند. چون این خبر به گوش ملت ایران رسید، سخت دچار نگرانی شد و علما و بزرگان اجتماع کردند و این پیش آمد را امری بزرگ تلقی نمودند و ما در دمشق از یکی از علمای بزرگ خراسان و از شهر مقدس مشهد تلگرافی دریافت نمودیم که طی آن حقیقت قضیه را از ما سؤال کرده بودند، سپس دولت ایران گروهی را برای تحقیق به حجاز اعزام داشتند، تا از حقیقت ماجرا دولت خویش را مطلع سازند. (۲)

پس از تسلط وهابی ها بر مدینه منوره قاضی القضاة وهابی ها، شیخ عبدالله بن بلهد در ماه رمضان ۱۳۴۴ از مکه به مدینه آمد و اعلامیه ای صادر نمود و ضمن آن از اهل مدینه سؤال کرد که درباره خراب کردن قبه ها و مزارات چه می گویند؟ بسیاری از مردم از ترس جوابی ندادند و بعضی از آنان خراب کردن را لازم دانستند و متن سؤال و جواب را منتشر ساخت .

مرحوم علامه سید محسن امین در این باره می نویسد:

«مقصود شیخ عبدالله از این سؤال استفتاء حقیقی نبود، زیرا وهابی ها در وجوب خراب کردن تمام قبه ها و ضریح ها حتی قبه روی قبر پیامبر صلی الله علیه و آله هیچ تردیدی ندارند، این دو قاعده و اساس مذهبشان می باشد و سؤال مزبور تنها برای تسکین خاطر مردم مدینه بود.»

بعد از سؤال مذکور، آنچه در مدینه و اطراف آن گنبد و ضریح و مزار بود، ویران ساختند از جمله گنبد‌های ائمه مدفون در بقیع که عباس عموی پیغمبر صلی الله علیه و آله نیز در آن مدفون بود و دیوارها و صندوق روی قبور، همه را خراب کردند، همچنین گنبد‌های عبدالله پدر پیامبر صلی الله علیه و آله و آمنه مادر آن حضرت و نیز گنبد‌ها و قبور همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و گنبد عثمان بن عفان و اسماعیل بن جعفر الصادق علیه السلام و مالک پیشوای مذهب مالکی را ویران ساختند، خلاصه سخن این که در مدینه و اطراف و درین قبوری باقی نگذاشتند» (۳).

باز می نویسد:

«وهابی ها از ترس نتیجه کارشان از خراب کردن گنبد و بارگاه رسول اکرم صلی الله علیه و آله خودداری کردند و گرنه آنان هیچ قبر و ضریحی را استثناء نکرده اند، بلکه قبر پیامبر اکرم از جهت آن که بیشتر مورد احترام و علاقه مردم است، از نظر آنها اولی به خرابی است، اما آنچه که پادشاه سعودی اظهار داشته که «ما قبر پیامبر را محترم می دانیم» بدون شک چنین کلامی برخلاف عقائد آنهاست و این سخن را جز برای مصلحت و جلوگیری از تحریک عواطف جهان اسلام، بر ضدشان، نگفته است و اگر از این نظر خاطر جمع می شدند، حتما قبر پیامبر صلی الله علیه و آله را نیز ویران می ساختند، بلکه نخست و پیش از سایر مزارات آنجا را خراب می نمودند.

چون این عمل زشت وهابیان در حجاز و آنچه را که نسبت به قبور ائمه بقیع کرده بودند، به گوش مسلمانان در نقاط مختلف جهان رسید، این جنایت را بزرگ شمردند و در محکومیت آن، تلگراف‌هایی از عراق و ایران و سایر کشورها به ابن سعود مخابره شد و به عنوان اعتراض درس‌ها و نماز جماعت‌ها تعطیل گشت و مجالس سوگواری تشکیل گردید (۴).

ص: ۳۲

مطلبی که بیشتر موجب نگرانی شد، انتشار این موضوع بود که گنبد روی قبر مطهر پیامبر صلی الله علیه و آله را نیز به گلوله بسته اند (و حتی قبر مقدس را خراب کرده اند) اما بعداً معلوم شد این خبر صحت نداشته خود وهابی ها هم آن را انکار کردند».

جابری انصاری در کتاب «تاریخ اصفهان» در ضمن وقایع سال ۱۳۴۳ هجری به داستان حمله وهابی به حجاز و ویران ساختن قبور اشاره می کند و می نویسد:

«ضریح پولادی که حاج امین السلطنه در سال ۱۳۱۲ ه. دستور داد در اصفهان دو سالی ساختند، برداشتند (از روی قبور ائمه بقیع) و چون وهابی ها خواسته بودند وارد مرقد مقدس ختمی مرتبت شوند، یکی از آنان، این آیه را خوانده بود: «یا ایها الذین آمنوا لا تدخلوا بیوت النبی...» لذا از آن جسارت گذشتند» (۵)

بمباران مدینه و انعکاس آن در ایران و سایر ممالک اسلامی

مؤلف کتاب «تاریخ بیست ساله ایران» حسین مکی، زیر عنوان فوق می نویسد:

«تقریباً در اوایل شهریور ۱۳۰۴ برابر اوایل صفر ۱۳۴۳ در نتیجه محارباتی که بین طائفه وهابی ها (ابن السعود ملک نجد و حجاز) که بعدها به نام کشور عربی سعودی موسوم گردید، و صاحب الاحساء و ملک حسین شریف مکه و مدینه روی داد، برخی از شهرهای مکه و مدینه بمباران گردید و پس از تصرف مدینه شهر مزبور نیز از طرف قوای ابن السعود بمباران شد، بعضی از مقابر صحابه و مساجد و مقابر ائمه شیعه ویران گردید. خبر این بمباران در عالم اسلام و مخصوصاً عالم تشیع صدای عجیبی کرد و عواطف مذهبی مردم را سخت تحریک نمود، از تمام نقاط ایران تلگرافاتی به علمای تهران شد و علمای مرکز نیز جلساتی تشکیل داده و در اطراف این موضوع به مذاکره و بحث پرداختند. سردار سپه نیز در این زمینه بخشنامه زیر را صادر نمود:

ص: ۳۳

«متحد المال تلگرافی و فوری است. عموم حکام ایالات و ولایات و مامورین دولتی.

به موجب اجبار تلگرافی از طرف طائفه وهابی ها اسائه ادب به مدینه منوره شده و مسجد اعظم اسلامی را هدف تیر توپ قرار داده اند. دولت از استماع این فاجعه عظیم بی نهایت مشوش و مشغول تحقیق و تهیه اقدامات مؤثره می باشد، عجالاً با توافق نظر آقایان حجج اسلام مرکز تصمیم گرفته شده است که برای ابراز احساسات و عمل به سوگواری و تعزیه داری یک روز تمام مملکت تعطیل عمومی شود، لهذا مقرر می دارم عموم حکام و مأمورین دولتی در قلمرو مأموریت خود به اطلاع آقایان علمای اعلام هر نقطه، به تمام ادارات دولتی و عموم مردم این تصمیم را ابلاغ و روز شنبه شانزدهم صفر را روز تعطیل و عزاداری اعلام نمایند.

ریاست عالیہ کل قوا و رئیس الوزراء رضا».

مکی می افزاید:

«بر اثر تصمیم فوق روز شنبه شانزدهم صفر تعطیل عمومی شد، از طرف دستجات مختلفه تهران مراسم سوگواری و عزاداری به عمل آمد و بر طبق دعوتی که به عمل آمده بود، در همان روز علما در مسجد سلطانی اجتماع نمودند و دستجات عزادار با حال سوگواری از کلیه نقاط تهران به طرف مسجد سلطانی عزیمت کرده در آنجا اظهار تأسف و تأثر به عمل آمد و عصر همین روز یک اجتماع چندین ده هزار نفر در خارج دروازه دولت تشکیل گردید و در آنجا خطبا و ناطقین نطق های آتشین و مهیجی کرده، نسبت به قضایای مدینه و اهانتی که از طرف وهابی ها به گنبد مطهر حضرت رسول به عمل آمده بود، اظهار انزجار و تنفر شد» (۶)

ص: ۳۴

وضع قبور ائمه بقیع پیش از ویران شدن

در سفرنامه های حج، وضع قبور ائمه بقیع علیهم السلام قبل از ویران شدن به دست وهابی ها به تفصیل شرح داده شده و تصاویری از آنها ارائه گردیده است از جمله این سفرنامه ها، سفرنامه میرزا حسین فراهانی است. وی در سال ۱۳۰۲ قمری توفیق زیارت حج پیدا کرده و درباره قبور ائمه بقیع چنین نوشته است:

«قبرستان بقیع، قبرستان وسیعی است که در شرقی سور (بارو) مدینه متصل به دروازه سور واقع شده و دور تا دور آن را دیوار سه ذرعی از سنگ و آهک کشیده اند و چهار در دارد دو درب آن از طرف غرب و در کوچه پشت سور است و یک درب طرف جنوب و درب دیگر آن شرقی و طرف حش کوب است که در کوچه باغهای بیرون شهر است و از بس در این قبرستان سرهم دفن کرده اند، اغلب قبرستان یک ذرع متجاوز از سطح زمین ارتفاع بهم رسانیده است و در اوقات آمدن حجاج به مدین، همه روزه درهای این قبرستان تا وقت مغرب باز است و هر که می خواهد می رود و در غیر وقت حج، ظهر روز پنجشنبه باز می شود و تا نزدیک غروب روز جمعه بعد بسته است مگر آن که کسی بمیرد و آنجا دفن کنند.

چهار نفر از ائمه اثنی عشر صلوات الله علیهم اجمعین در بقعه بزرگی که به طور هشت ضلعی ساخته شده، واقعد و اندرون و گنبد او سفیدکاری است و بنای این بقعه معلوم نیست از که و چه وقت بوده اما محمد علی پاشای مصری در سنه ۱۲۳۴ به امر سلطان محمود خان عثمانی تعمیر کرده و بعد همه ساله از جانب سلاطین عثمانی این بقعه مبارکه و سایر بقعه جات واقعه در بقیع تعمیر می شود در وسط این بقعه مبارکه، صندوق بزرگی است از چوب جنگلی خیلی ممتاز و در وسط این صندوق بزرگ دو صندوق چوبی دیگر است و در این دو صندوق پنج نفر مدفونند: امام حسن مجتبی، حضرت سجاد، حضرت امام محمد باقر و حضرت صادق علیهم السلام است و یکی عباس عم رسول الله صلی الله علیه و آله است که بنی عباس از اولاد اویند و در وسط بقعه متبرکه در طاقنمای غربی مقبره ای است که به دیوار یک طرف او را ضریح آهنی ساخته اند و می گویند: قبر حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است.

چند محل است که مشهور به قبر صدیقه طاهره است: یکی در بقیع در حجره ای که بیت الاحزان می گویند و به همین ملاحظه اغلب در بیت الاحزان نیز زیارت صدیقه کبری علیها السلام را می خوانند و در مقابل همین قبر مبارک، پرده گلابتون دور گنبد آویخته و از گلابتون بیرون آورده اند که: سلطان احمد بن سلطان محمد بن سلطان ابراهیم، (سنه احدی و ثلثین و ماه بعد الالف ۱۱۳۱) .

مرحوم فراهانی می افزاید:

«در این بقعه مبارکه دیگر زینتی نیست مگر دو چلچراغ کوچک و چند شمعدان برنز، و فرش زمین بقعه، حصیر است و چهار، پنج نفر متولی و خدام دارد که افبا عن جفد هستند و مواظبتی ندارند و مقصودشان اخذ تنخواه (پول) از حجاج است.

حجاج اهل تسنن بر سیل ندرت در این بقعه متبرکه به زیارت می آیند و برای آنها ممانعتی در زیارت نیست و تنخواهی از آنها گرفته نمی شود. اما حجاج شیعه هیچ یک را بی دادن وجه نمی گذارند داخل بقعه شوند مگر آن که هر دفعه تقریباً از یک قران الی پنج شاهی به خدام بدهند و از این تنخواهی که با این تفصیل از حجاج می گیرند، باید سهمی به نائب الحرم و سهمی به سید حسن پسر سید مصطفی که مطوف عجم است، برسد و بعد از دادن تنخواه هیچ نوع تقیه در زیارت و نماز نیست و هر زیارتی سرّاً یا جهراً می خواهند بکنند آزاد است و ابداً لساناً و یداً صدمه ای به حجاج شیعه نمی رسانند. پشت گنبد ائمه بقیع بقعه کوچکی است که بیت الاحزان حضرت زهرا علیها السلام است.»

ص: ۳۶

فراهانی، سپس به تعریف و توصیف قبور بقیع و بنای روی آنها می پردازد (۷) از جمله سفرنامه نویسان حاج فرهاد میرزا است که در سال ۱۲۹۲ قمری به سفر حج رفته و در سفرنامه خود به نام «هدیه السبیل» می نویسد:

«از باب جبرئیل درآمده به زیارت ائمه بقیع علیهم السلام مشرف شدم که صندوق ائمه اربعه علیهم السلام در میان صندوق بزرگ است که عباس عم رسول الله صلی الله علیه و آله نیز در آن صندوق است، ولی صندوق ائمه که در میان همان صندوق بزرگ است، مفروز است که دو صندوق است.»

مرحوم فرهاد میرزا می گوید:

«متولی آنجا در ضریح را باز کرده به میان ضریح رفتم و طوافی دور ضریح کردم و طرف پائین پا خیلی تنگ است که میان صندوق و ضریح کمتر از نیم ذرع است که به زحمت می توان حرکت کرد (۸)».

مؤلف کتاب «تحفه الحرمین» نائب الصدر شیرازی که در سال ۱۳۰۵ ه. ق به مسافرت حج تشریف یافته در سفرنامه خود، چنین نوشته است:

«وادی بقیع به دست راست است، مسجد پوشیده ای است مانند اطاق بر سر او نوشته: «هذا مسجد ابی بن کعب و صلی فیه النبی غیر مره» (این مسجد ابی بن کعب است که پیغمبر مکرر در آن نماز گزارد) بقعه ائمه بقیع جناب امام حسن و امام زین العابدین و امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهم السلام در یک ضریح می باشند. می گویند: عباس بن عبدالمطلب آنجا مدفون است و آثاری در آن بقعه در پیش روی ائمه به طرف دیوار مانند شاه نشین ضریح و پرده دارد می گویند جناب صدیقه طاهره س مدفون هستند» (۹).

ص: ۳۷

ابراهیم رفعت پاشا که در سال های ۱۳۱۸ و ۱۳۲۰ و ۱۳۲۱ و ۱۳۲۵ ه ق که در سفر اول به عنوان رئیس نگهبان محمل قافله حجاج مصر و سفرهای بعدی به عنوان امیرالحاج مصر بوده، برای سفرهای چهارگانه خود سفرنامه مفصلی به نام «مرآة الحرمين» نوشته است وی در این کتاب ارزشمند وضع قبور اجداد پیامبر و ام المؤمنین خدیجه در مکه و قبور ائمه مدفون در بقیع را قبل از سال ۱۳۴۴ ه . ق یعنی قبل از خراب کردن وهابی ها به تفصیل شرح داده و تصاویری روشن از آنها ارائه داده است وی وضع قبور بقیع و افراد معروفی که در آن مدفونند از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و غیر آنان ذکر کرده و گفته است که قبه اهل بیت علیهم السلام (مقصود ائمه مدفون در بقیع) از بقعه های دیگر بلندتر است « (۱۰).

رفعت پاشا در ضمن ذکر وضع بقعه ها؛ عکس ها و تصاویری از بقاع بقیع که بقعه و گنبد ائمه از همه آنها مجلل تر و بلندتر است، و از صحن و سرای باشکوه حضرت خدیجه سلام الله علیها در مکه، ارائه کرده است.

خلاصه؛ تا سال ۱۳۴۴ قبل از تسلط وهابی ها بر حجاز، قبور مدفون در بقیع و پاره ای قبور دیگر در مکه و مدینه دارای گنبد و بارگاه و فرش و شمعدان و چراغ و قندیل بوده است، بسیاری از کسانی که قبل از این تاریخ آنجا را دیده اند، وضع بنا و دیگر خصوصیات مربوط به مقابر را با ذکر جزئیات و احیاناً با ارائه تصاویری در گنبد و بارگاه آنها، در سفرنامه های خود ذکر کرده اند.

- (۱) تاریخ المملکه العربیه السعودیه، ج ۲، ص ۳۴۴.
 - (۲) کشف الارتیاب، ص ۵۵.
 - (۳) کشف الارتیاب، ص ۵۵.
 - (۴) همان مدرک.
 - (۵) تاریخ اصفهان، ص ۳۹۲.
 - (۶) حسین مکی، تاریخ بیست ساله ایران، ج ۳، ص ۳۶۵ و ۳۶۶.
 - (۷) سفرنامه فراهانی، ص ۲۸۱ به بعد.
 - (۸) هدیه السبیل، ص ۱۲۷ به بعد.
 - (۹) تحفه الحرمین، ص ۲۲۷.
 - (۱۰) مرآه الحرمین، ج ۱، ص ۴۲۶، چاپ مصر، ۱۳۴۴ هـ - ۱۹۲۵ م.
- مکتب اسلام سال ۱۳۷۹ ش ۳.

مسجد غدیر خم

توسط دشمنان غدیر

مسجد غدیر

همان گونه که غدیر پرچمی بر بلندای تاریخ است که از آن نور سبز (علی ولی الله) می درخشد مسجد غدیر (که در مکان غدیر بنا گردیده بود) هم تیری به چشم دشمنان ولایت بوده که بنای گل و آجری آن به عنوان سندی زنده از غدیر در قلب صحرا می درخشید. از همین جاست که دشمنان کینه توز علی علیه السلام که در خانه اش را آتش زدند و تابعین آنان در طول قرن‌ها هرگز چشم دیدن چنین بنای اعتقادی تاریخی را نداشته اند. آثار مسجد غدیر که توسط پیامبر صلی الله علیه واله واصحابش علامت گذاری شده بود، اولین بار به دست عمر ابن الخطاب از میان برده شده و علائم آن محو گردید. ابن شهر آشوب در کتاب مثالب می گوید: آثار مسجد غدیر را به دستور عمر مخفی کردند. بار دیگر مسجد غدیر در زمان امیرالمومنین علیه السلام احیاء شد ولی پس از شهادت آن حضرت به دستور معاویه آثار غدیر خم با خاک یکسان گردید. ابن شهر آشوب در کتاب مثالب می گوید: صاحب اغانی ذکر کرده معاویه ساربانان را با دویست نفر از خوارج فرستاد تا آثار غدیر خم را با خاک یکسان کنند. (۱)

امام صادق علیه السلام: نماز خواندن در مسجد غدیر، مستحب است؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله امیر مؤمنان را در آن [به امامت] نصب کرد، و آن، همان مکانی است که خدای عز و جل حق را در آن آشکار ساخت. (۲)

به نقل از عبد الرحمان بن حجاج: از امام کاظم علیه السلام در باره نماز در مسجد غدیر خم به هنگام روز و در حالی که مسافر هستم، پرسیدم. فرمود: «در آن نماز بخوان، که بسیار فضیلت دارد و پدرم پیوسته بدان امر می کرد» (۳)

۱- غدیر کجاست ص ۵۹

۲- کشف الغطاء ص ۲۱۱

۳- بدایه الهدایه ج ۱ ص ۳۹۱

توسط وهابیون

سید حیدر کاظمی متوفای ۱۲۶۵ق در کتاب عمده الزائر می گوید از مساجد شریفه مسجد غدیر خم است و این مسجد نزدیک جحفه است که امروزه به نام رابع خوانده می شود. دیوارهای این مسجداً امروز باقیست و سابقه آن مشهور و مشخص است. راه حج غالباً از غدیر بوده ولی ناصبیان برای مخفی کردن این فضیلت جاده را تغییر داده اند اگر چه غدیر به جاده کنونی هم نزدیک است. (۱)

مسجد غدیر خم که وسعتی بالغ بر ۵۰ متر مربع داشت در منطقه غدیر خم در دو دهه اخیر به دست افراد خیر و نیکوکار ساخته شده که نشانگر وجود اهمیت این منطقه بود و افراد بومی و زائران در آن جا نماز می خواندند. افراطیون سلفی این بنای مقدس را که در ۱۲ کیلومتری مسجد جحفه است در اقدامی شبانه به ویرانه ای تبدیل کردند. (۲)

(۱) غدیر کجاست؟ ص ۵۹

(۲) برگرفته از پایگاه اطلاع رسانی شیعیان

خانه امیرالمومنین علیه السلام

توسط دشمنان غدیر

ص: ۴۰

آتش زدن در خانه

این هم مسأله دردناکی برای حضرت فاطمه - سلام الله علیها - بود که به درخانه اش آتش افروختند و این امر توسط عمر انجام شد (سخن این است که برای بردن حضرت علی - علیه السلام - به مسجد به او پیام فرستادند، حضرت علی - علیه السلام - اطاعت نکرد، بار دیگر هم او را خواستند نرفت و برای بار سوم عمر به همراهی جمعی آمد، با هیاهویی که دم به دم نزدیکتر میشد که این خانه را با اهلش آتش می زنم، - پرسیدند که حتی اگر فاطمه - سلام الله علیها - در آن باشد؟ گفت آری و) - الباقی را از زبان حضرت فاطمه - سلام الله علیها - بشنویم:

«فجمعوا الحطب الجزل» علی بابی بر در خانه ام هیزم و خاشاک آوردند «و أتوا بالنار لیحرقوه و یحرقونا» آتش آوردند که آن را شعله ور سازد و ما را بسوزانند «فوقعت بعضاده الباب» من در آستانه در قرار داشتم «و نا شدتم بالله و بأبی ان یکفوا و ینصرونا» آنها را قسم دادم به خدا، و به پدرم که دست از ما بردارید و به دادمان برسید «فاخذ عمر السوط من ید قنقذ مولی ابی بکر» عمر تازیانه را از دست قنقذ غلام ابوبکر گرفت «فضرب به علی عضدی حتی صار کالدملج» آن را بر بازویم زد، چنان که کیود شد. «و رکل الباب برجله فرده علی و انا حامل» لگد محکمی بر در زد و آن را بر رویم انداخت در حالیکه حامله بود فسقطت بوجهی به رو در خاک افتادم «و النار تسعر و یسفع فی وجهی» آتش زبان می کشید و چهره ام را داغ می کرد «فیضربنی بیده حتی انتثر قرطی من اذنی» مرا چنان سیلی زد که گوشواره از گوشم فرو افتاد «فجاءنی المخاض فاسقطت محسناً بغير جرم» درد زایمان مرا گرفت و محسنم را بدون جرم سقط کردم.

توسط وهابون

مسجد النبی در مدینه درهای متعدد دارد مانند باب جبرئیل، باب النساء و ... روبروی باب جبرئیل و باب النساء خانه‌ها و کوچه‌های تنگ و بسیار قدیمی وجود داشت. این خانه‌ها و کوچه‌ها معروف به محله بنی هاشم بود. برخی از این کوچه‌ها تا قبرستان بقیع امتداد داشت و در دوران‌های مختلف محفوظ مانده بود و برخی از خانه‌های آن نیز بازسازی شده بودند. مالکان مغازه‌ها و دکان‌های این کوچه از سادات علوی بودند. از سال ۱۳۶۴ هجری شمسی تا ۱۳۶۶ این محله به کلی تخریب و تا قبرستان بقیع باز و محل عبور و مرور زائران شد و بخشی از آن در توسعه شرقی مسجد النبی جزو مسجد شد. همین الان از باب البقیع، قبرستان بقیع به طور مستقیم دیده می‌شود. در این محله آثار تاریخی هم تخریب شد (تاریخ و آثار اسلامی مکه مکرمه و مدینه منوره، اصغر قائدان، ص ۲۸۹). در این کتاب همه آثار باستانی تخریب شده در توسعه مسجد النبی توضیح داده شده است. محله بنی هاشم در مدینه، در زمان‌های قدیم از محله‌های آباد شهر محسوب می‌شد ولی پس از تسلط آل سعود رو به خرابی گذاشت و در عصر ما این محله از محله‌های عقب مانده مدینه بود. در این محله به همت ایرانیان مهدیه‌ای ساخته شد و شیعیان در آن اجتماعات تشکیل می‌دادند. دولت سعودی مهدیه را تصرف و آن را مدرسه دخترانه کرد. اکثر منازل شیعیان مدینه در این محله بود. این محله را محله شیعیان هم می‌نامند. بیشتر خانه‌های نزدیکان پیامبر و امامزادگان در همین محله بود

راهنمای حرمین شریفین، ابراهیم غفاری، ج ۵ - ۴، جزء پنجم، ص ۱۸۴، چاپ اول

بیت الاحزان

توسط دشمنان غدیر

در قسمت شمالی قبور ائمه بقیع، مکان کوچکی وجود داشته که فاطمه زهرا علیها السلام پس از رحلت پدر بزرگوارش، به آن جا می آمده و به شدت می گریسته است. این مکان به بیت الاحزان و یا مسجد فاطمه معروف بوده، و تا اوایل سده اخیر بنایی داشته که مردم در آن جا زیارت خوانده و نماز می گزاردند.

امیر مؤمنان علیه السلام برای فاطمه، در بقیع و در خارج مدینه، خیمه ای را بپا داشت که آن حضرت به همراه حسنین بدانجا می آمد و پس از گریه طولانی به خانه اش مراجعت می نمود.

در آن زمان سقیفه نشینان که گریه های آن حضرت در این مکان را افشاگر پستی شان و رفتار خود میدیدند بیت الاحزان را که بصورت خیمه ای بود را تخریب نمودند.

توسط وهابیون

مرحوم علامه، سیدعبدالحسین شرف الدین، بیت الأحزان را پنج سال قبل از تخریب، زیارت و به تناسب بحثی در کتاب خود «النص والاجتهاد» به این مطلب تصریح نموده است که گفتار او را می آوریم:

«... سپس علی بن ابی طالب علیه السلام در بقیع محلی را آماده ساخت که فاطمه زهرا سلام الله علیها برای گریه کردن، بدانجا می آمد و بیت الاحزان نامیده می شد و شیعیان در طول تاریخ، این بیت را همانند مشاهد و حریمهای مقدس زیارت می نمودند تا اینکه در این ایام که سال ۱۳۴۴ ه. است، ملک عبدالعزیز بر سرزمین حجاز مسلط و با دستور وی بر اساس پیروی اش از وهابگیری، منهدم گردید و در سال ۱۳۳۹ هجری که خداوند توفیق سفر حج و زیارت پیامبر صلی الله علیه وآله و مشاهد اهل بیتش در بقیع را بر من عنایت فرمود، بیت الاحزان را زیارت کردم».

ص: ۴۳

«... و کنا سنه ۱۳۳۹ تشرّفنا بزیاره هذا البيت (بيت الاحزان) ... فی البقیع ...».

فدک

توسط دشمنان غدیر

«فدک» یکی از دهکده های آباد اطراف مدینه در حدود ۱۴۰ کیلومتری نزدیک خیبر بود که در سال هفتم هجرت که قلعه های خیبر یکی پس از دیگری در برابر رزمندگان اسلام سقوط کرد و قدرت مرکزی یهود درهم شکست ساکنان فدک از در صلح و تسلیم در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله در آمدند و نیمی از زمین و باغهای خود را به آن حضرت واگذار کردند، و نیم دیگری را برای خود نگه داشتند و در عین حال کشاورزی سهم پیامبر صلی الله علیه و آله را نیز بر عهده گرفتند و در برابر زحماتشان حقی از آنان می بردند.

با توجه به آیه «فیء» این زمین مخصوص پیغمبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله بود و می توانست در مورد خودش یا مصارف دیگری که در آیه ۷ سوره حشر اشاره شده مصرف کند، لذا پیامبر صلی الله علیه و آله آن را به دخترش فاطمه «علیها سلام» بخشید، و این سخنی است که بسیاری از مورخان و مفسران شیعه و اهل سنت به آن تصریح کرده اند، از جمله در «تفسیر در المنثور» از ابن عباس نقل شده هنگامی که آیه و آت ذا القربی حقه» (روم ۳۸) نازل شد پیامبر صلی الله علیه و آله فدک را به فاطمه بخشید (اقطع رسول الله فاطمه فدکا) [۱]

و در کتاب «کنز العمال» که در حاشیه مسند احمد آمده در مسأله صله رحم از «ابو سعید خدری» نقل شده هنگامی که آیه فوق نازل شد پیامبر صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام را خواست و فرمود: یا فاطمه لک فدک: «ای فاطمه! فدک از آن تو است» [۲]

حاکم نیشابوری نیز در تاریخش همین معنی را آورده است « به کتاب فدک صفحه ۴۹ مراجعه شود ».

ابن ابی الحدید نیز در شرح نهج البلاغه داستان فدک را به طور مشروح ذکر کرده « شرح ابن ابی الحدید جلد ۱۶ صفحه ۲۰۹ به بعد » و همچنین کتب فراوان دیگر.

ولی بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله کسانی که وجود این قدرت اقتصادی را در دست همسر علی علیه السلام مزاحم قدرت سیاسی خود می دیدند و تصمیم داشتند یاران علی علیه السلام را از هر نظر منزوی کنند به بهانه حدیث مجعول «نحن معاشر الانبیاء لا نورث» آن را مصادره کردند، و با اینکه فاطمه علیها السلام رسماً متصرف آن بود و کسی از «ذو الید» مطالبه شاهد و بینه نمی کند از او شاهد خواستند، حضرت علیها السلام نیز اقامه شهود کرد که پیغمبر صلی الله علیه و آله شخصاً فدک را به او بخشیده، اما با اینهمه اعتنا نکردند، در دورانه‌های بعد هر یک از خلفا که می خواستند تمایلی به اهل بیت نشان دهند فدک را به آنها باز می گرداندند، اما چیزی نمی گذشت که دیگری آن را مجدداً مصادره می کرد! و این عمل بارها در زمان خلفای «بنی امیه» و «بنی عباس» تکرار شد.

داستان فدک و حوادث گوناگونی که در رابطه با آن در صدر اسلام و دورانه‌های بعد روی داد از دردناکترین و غم انگیزترین و در عین حال عبرت انگیزترین فرازهای تاریخ اسلام است که مستقلاً باید مورد بحث و بررسی دقیق قرار گیرد تا از حوادث مختلف اسلام پرده بردارد.

قابل توجه اینکه محدث اهل سنت مسلم بن حجاج نیشابوری در کتاب معروفش «صحیح مسلم» داستان مطالبه فاطمه علیها السلام فدک را از خلیفه اول مشروحاً آورده و از عایشه نقل می کند که بعد از امتناع خلیفه از تحویل دادن فدک فاطمه علیها السلام از او قهر کرد و تا هنگام وفات یک کلمه با او سخن نگفت [۳]

[۱]. در المنثور جلد ۴ صفحه ۱۷۷.

[۲]. کنز العمال جلد ۲ صفحه ۱۵۸.

[۳]. صحیح مسلم جلد ۳ صفحه ۱۳۸۰ حدیث ۵۲ از کتاب الجهاد.

برگرفته از: یکصد و هشتاد پرسش و پاسخ، آیت الله مکارم، ص: ۶۳۰

توسط وهابيون

سرزمین فدک با وجود اینکه هنوز به حضرت زهرا سلام الله عليها منسوب است و چشمه های، باغها، مسجد و دیگر بناهای آن بنام آنحضرت متبرک است؛ در این زمان با آن وسعت و استعداد برای ایجاد منطقه ای اقتصادی بدلیل منسوب بودن به حضرت صدیقه طاهره سلام الله عليها تعدا بدست فراموشی سپرده میشود و ویرانه ای از آن بجا مانده و از چشم زائران بدور میماند مبادا که یاد و خاطره این سرزمین و وقایع پیرامون آن، از جمله ظلمی که در حق حضرت زهرا سلام الله عليها روا داشتند تداعی نگردد...

از دیگر خیانتهایی که در این راستا آل سعود وهابی در مورد فدک انجام داده اند اینه نام سرزمین فدک را به (حائظ) تغییر داده اند که نام فدک هم از زبانها محو گردد

از بین بردن احادیث و کتب اسلامی

توسط دشمنان غدیر

توسط ابابکر

ابوبکر در ایام خلافتش دستور داد پانصد حدیث پیغمبر - صلی الله علیه و آله را جمع آوری کردند. شیخی خوابیده بود، سخت منقلب شد. عایشه می گوید: حالت انقلاب وی، مرا ناراحت کرد. صبح آن روز گفت: دخترم! احادیثی که نزد توست بیاور! چون آنها را نزد او بردم، همه را آتش زد!

اجتهاد در مقابل نص، علامه شرف الدین، بخش ۸ ص ۲۳

توسط عمر بن الخطاب

ص: ۴۶

روایات درباره ممانعت عمر از تدوین علم و جلوگیری از جمع آوری احادیث و اخبار، متواتر است. و شیعه و سنی به طرق مختلف آن را نقل کرده اند، تا جایی که وی صحابه را از نوشتن احادیث پیغمبر صلی الله علیه و آله مطلقاً بر حذر داشت! علاوه بزرگان ایشان را در مدینه نگاهداشت تا احادیث آن حضرت را در اطراف، منتشر نسازند!

که به نمونه هایی از آن اشاره می نمایم:

از قاسم بن محمد بن ابی بکر روایت شده که گفت: احادیث در عصر عمر بن خطاب، فزونی یافت، عمر هم به مردم دستور داد، همه آن را برای او ببرند، وقتی آوردند امر کرد آنها را طعمه حریق سازند. (۱)

یحیی بن جعد روایت نموده که عمر خواست سنت را بنویسند، ولی بعد به نظرش رسید که نباید آن را نوشت. سپس به شهرها نوشت، اگر کسی حدیثی را نوشته است باید آن را از میان برد. (۲)

عبدالرحمن بن عوف می گوید: به خدا پیش از آنکه عمر بمیرد، اصحاب پیغمبر صلی الله علیه و آله، عبدالله بن حذیفه، ابوالدرداء، ابوذر و عقبه بن عامر را از نقاط مختلف گرد آورد و به ایشان گفت: چرا از پیغمبر صلی الله علیه و آله این روایات را در همه جا پخش کرده اید؟

گفتند: ما را از آن منع می کنی؟ گفت: نه! ولی نزد من بمانید، به خدا تا من زنده ام حق ندارید از من فاصله بگیرید!... (۳)

و نیز زهری از عروه بن مسعود نقل می کند که چون عمر بن خطاب خواست احادیث را جمع آوری کند، از صحابه پیغمبر استفتاء کرد، آنها نظر دادند که این کار را انجام دهد. عمر یک ماه درباره آن فکر کرد، سپس روزی گفت: ((من خواستم احادیث را جمع آوری کنم، ولی بعد قومی را به یاد آوردم که پیش از شما کتابهایی نوشتند و چنان اوقات خود را صرف آن کردند که کتاب خدا را رها ساختند. من هم به خدا قسم! هیچگاه کتاب خدا را به چیزی آلوده نمی سازم)). (۴)

(۱): اجتهاد در مقابل نص، علامه شرف الدین، بخش ۸ ص ۲۴

(۲): اجتهاد در مقابل نص، علامه شرف الدین، بخش ۸ ص ۲۴

(۳): اجتهاد در مقابل نص، علامه شرف الدین، بخش ۸ ص ۲۵

(۴): اجتهاد در مقابل نص، علامه شرف الدین، بخش ۸ ص ۲۳

توسط وهابیت

وهابی ها در طول دو قرن عمر خود، فاجعه های زیادی در حوزه فکر و عمل آفریده اند؛ کشتار مسلمانان، ایجاد اختلاف و نفاق در بین آنان و تکفیر مسلمانان بخشی از میوه های تلخ این شجره ملعونه است که جامعه اسلامی را گرفتار نموده است. این فرقه، حتی دشمنی خود را نسبت به علم، فرهنگ و تمدن اسلامی، به قبیح ترین شکل، آشکار می کنند و به کتابخانه های اسلامی رحم نمی کنند. وهابیت کتابخانه هایی را که غالباً کتاب های فقهی، تفسیری و حدیثی را در خود جای داده بودند، آتش زده، مسلمانان را از این گنج های گران بهای علمی و دینی محروم نمودند. آنان کتابخانه بزرگ «المکتبه العربیه» را که حاوی بیش از شصت هزار عنوان کتاب گران سنگ و نایاب و بیش از چهل هزار نسخه خطی منحصر به فرد بود، آتش زدند. در این کتابخانه، معاهده یهودیان و کفار قریش بر ضد رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، و همچنین آثار خطی امام علی (علیه السلام) و برخی دیگر از صحابه و نیز قرآن مجید به خط عبدالله بن مسعود وجود داشت. ناصرالسعید از قول یکی از مورخان نقل می کند که هنگام تسلط وهابیان، این کتابخانه را به بهانه وجود کفریات در آن، آتش زده و آن را به خاکستر تبدیل کردند. «۱» آیا این برخورد وحشیانه وهابی ها با فرهنگ و تمدن اسلامی، جز با انگیزه دشمنی با اسلام با چیزی دیگر قابل توجیه است؟ و آیا هدف وهابی ها از سوزاندن متون اصیل و بر جای مانده از سلف صالح و علمای بزرگ و کتاب هایی که در برگیرنده فرهنگ، تمدن و علوم اسلامی بوده، غیر از این می تواند باشد که آنان خواسته اند با این کار، راه را برای افکار انحرافی ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب باز کنند؟

چرا پیروان این فرقه، از علم و فرهنگ و تمدن اسلامی می ترسند، همان گونه که از علما، فقها و متکلمان اسلامی وحشت دارند؟ کسی که در جست و جوی حق است، نه تنها از هیچ فرهنگ و تمدنی نمی ترسد، بلکه برای به دست آوردن راه حق و پذیرش آگاهانه و عالمانه آن، به هر وادی قدم می گذارد تا گمشده اش را دریابد. (۲)

امام نووی در کتاب «الاذکار» در مورد استحباب زیارت نبی (صلی الله علیه و آله) آورده است:

فصل فی زیاره قبر النبى صلی الله علیه و آله و اذکارها: اعلم انه ینبغی لكل من حج ان یتوجه إلی زیاره رسول الله صلی الله علیه و آله سواء کان ذلك طریقہ أو لم یکن، فان زیارته صلی الله علیه و آله من اهم القربات و اربح المساعی و افضل الطلبات، فإذا توجه للزیاره اکثر من الصلاه و السلام علیه فی طریقہ، فإذا وقع بصره علی اشجار المدینه ...

فصلی درباره زیارت قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و دعاهای آن: بدان که هر کسی عازم حج می گردد، شایسته است که آهنگ زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله کند، خواه قبر شریف آن حضرت در مسیر راه باشد یا نباشد، زیرا زیارت ایشان از مهم ترین وسایل تقرب به خدا، سودمندترین کار و برترین اهداف است. پس زمانی که شخص آهنگ زیارت آن حضرت می کند شایسته است که در راه بر او درود فراوان فرستد و چون چشمش به درختان مدینه و حرم و علائم آن می افتد، بر درود و سلام بر آن حضرت بیفزاید.

وهابی ها این قسمت از این کتاب را در چاپ جدید، از انتشارات «دارالهدی فی الرياض»، چاپ دوم ۱۴۰۹ ه. ق، با تحقیق شیخ عبدالقادر چنین تحریف نموده اند:

فصل فی زیاره مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله: اعلم انه يستحب من اراد زیاره مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله ان یکثر من الصلاه علیه فی طریقته، فاذا وقع بصره علی اشجار المدینه و حرمها و ما یعرف بها زاد من الصلاه و التسلیم علیه.

مستحب است کسی که قصد زیارت مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله را دارد، در مسیر راه، زیاد صلوات بر او بفرستد، وقتی چشمش به درختان مدینه و حرم و آثار دیگر مدینه افتاد، صلوات و سلام و درودش را بر آن حضرت بیشتر نماید.

همان گونه که ملاحظه می شود زیارت رسول الله صلی الله علیه و آله به زیارت مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله تحریف شده و بیشتر کلمات مربوط به فضائل زیارت حذف شده است.

همچنین در مختصر جامع بیان العلم (در ص ۱۹۹) روایتی درباره حلیت متعه موجود بوده که در چاپ عربستان سعودی، اثری از این روایت دیده نمی شود.

دکتر ناصر القفاری که یکی از نظریه پردازان جریان وهابیت است در کتاب «اصول مذهب الشیعه الامامیه الاثنی عشریه» در مسئله رؤیت خدا، روایتی را از کتاب شریف توحید شیخ صدوق (۳) و بحار الانوار (۴) این گونه نقل میکند:

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قُلْتُ لَهُ: اخْبِرْنِي عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، هَلْ يَرَاهُ الْمُؤْمِنُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؟ قَالَ: نَعَمْ.

ابی بصیر می گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم که آیا مؤمنان در روز قیامت خدا را می بینند؟ گفت: بلی!

او در نقل روایت، به همین مقدار اکتفا کرده و از آن نتیجه گرفته است که ائمه (علیهم السلام) قائل به رؤیت خدا بوده اند و شیعیان بر خلاف دیدگاه ائمه (علیهم السلام) رؤیت را نمی پذیرند!

آنچه را که «قفاری» نقل نموده، قسمتی از روایت است که در راستای دیدگاه خویش آن را انتخاب کرده است و تتمه روایت را که بخش اعظم آن می باشد تقطیع و حذف نموده است. در ادامه روایت، مراد از رؤیت به خوبی و روشنی بیان شده است که مقصود امام علیه السلام از رؤیت، رؤیت مورد ادعای قفاری نیست، بلکه رؤیت قلبی مراد بوده است! تمام روایت چنین است:

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قُلْتُ لَهُ: أَخْبِرْنِي عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ هَلْ يَرَاهُ الْمُؤْمِنُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؟ قَالَ نَعَمْ وَقَدْ رَأَوْهُ قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَقُلْتُ مَتَى؟ قَالَ حِينَ قَالَ اللَّهُ: (الَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى) ثُمَّ سَكَتَ سَاعَةً، ثُمَّ قَالَ: وَأَنَّ الْمُؤْمِنِينَ لَيَرَوْنَهُ فِي الدُّنْيَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ! أَلَسْتُ تَرَاهُ فِي وَقْتِكَ هَذَا؟ قَالَ أَبُو بَصِيرٍ: فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! فَاحْدِثْ بِهَذَا عَنكَ؟ فَقَالَ: لَا فَإِنَّكَ إِذَا حَدَّثْتَ بِهِ فَاَنْكَرَ مِنْكَ جَاهِلٌ بِمَعْنَى مَا تَقُولُهُ ثُمَّ قَدَّرَ أَنَّ ذَلِكَ تَشْبِيهُ وَكُفْرٌ وَلَيْسَتْ الرُّؤْيَةُ بِالْقَلْبِ كَالرُّؤْيَةِ بِالْعَيْنِ تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُصِفُهُ الْمُشْبِهُونَ وَالْمُلْحِدُونَ.

ابوبصیر می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: مرا از خدای عزوجل آگاه کن که آیا مؤمنان در روز قیامت، او را می بینند. فرمود: آری و پیش از قیامت او را دیده اند. عرض کردم: در چه زمانی؟ فرمود: هنگامی که به ایشان فرمود که (الَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى)؛ «آیا نیستم پروردگار شما گفتند که آری تو پروردگار مایی». پس حضرت ساعتی ساکت شدند و بعد از آن فرمودند: مؤمنان در دنیا پیش از قیامت او را می بینند، آیا تو چنان نیستی که در همین وقت او را ببینی؟ ابوبصیر می گوید: به آن حضرت عرض کردم که فدای تو گردم پس من این مطلب را از شما نقل کنم. فرمود: نه، زیرا هرگاه تو این مطلب را نقل کنی، منکری که به معنای آنچه که ما می گوئیم جاهل باشد، آن را انکار می کند و بعد از آن تقدیر کند که این تشبیه و کفر است باعث این ناخوشی خواهد بود و دیدن با دل، چون دیدن چشم نیست. خدا برتر است از آنچه فرقه مشبهه و ملحدان او را وصف می کنند.

دکتر قفاری متفکر و نظریه پرداز معاصر وهابیت برای بدنام کردن مخالفین خودش خصوصاً مذهب شیعه امامیه، علاوه بر تقطیع و حذف قسمتی از روایات کلماتی را در روایات از پیش خود افزوده تا عقاید و باورهای شیعه را مورد خدشه قرار دهد.

همچنین قفاری در کتاب یاد شده ادعا می کند که در کتاب کافی روایتی وجود دارد که می رساند امامان شیعه سیزده نفرند.

او می گوید:

كما انك ترى الكافي اصح كتبهم الاربعه قد احتوى على جمله من احاديث تقول بان الائمة ثلاثه عشر فقد روى الكليني بسنده عن ابي جعفر عليه السلام قال: قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ إِنِّي وَ اثْنِي عَشَرَ اماماً مِنْ وُلْدِي ...

در حالی که اگر به اصول کافی مراجعه شود، کلمه «اماماً» در حدیث مذکور وجود ندارد، بلکه عبارت این چنین است: «أَنِّي وَ اثْنِي عَشَرَ مِنْ وُلْدِي وَ أَنْتَ يَا عَلِيُّ ...». که مراد از آن چهارده معصوم علیهم السلام است. (۵)

(۱): تاریخ آل سعود، ج ۱، ص ۱۵۸.

(۲): کالبدشکافی عقاید وهابیت، نویسنده: رحمت الله ضیایی - حمید الله رفیعی ص: ۲۳۳

(۳): توحید صدوق، ص ۱۱۱.

(۴): بحار الانوار، ج ۴، ص ۴۴.

(۵): کالبدشکافی عقاید وهابیت، نویسنده: رحمت الله ضیایی - حمید الله رفیعی ص: ۱۹۹ تا ۲۰۲

اهلیت علیهم السلام و حرمت قبرستان بقیع

پیامبر صلی الله علیه و آله و بقیع

حضور در بقیع در شبهای جمعه

از محمد بن الحسین، از محمد بن احمد، از موسی بن عمران، از عبد الله الحجاج، از صفوان الجمال، وی می گوید:

از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در هر شب جمعه با گروهی از اصحابشان به قبرستان بقیع در مدینه تشریف می بردند و در آنجا سه مرتبه می فرمودند:

ص: ۵۲

السَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا اَهْلَ الدِّيَارِ (سلام و درود بر شما ای اهل شهرها).

و سه مرتبه می فرمودند: رَحْمَكُمُ اللَّهُ (خدا شما را رحمت کند).

سپس به اصحابشان توجّه نموده و می فرمودند:

این اهل قبور از شما بهتر هستند.

اصحاب عرض می کردند: ای رسول خدا برای چه؟ ایشان ایمان آورده، ما نیز ایمان آورده ایم، ایشان جهاد کرده اند، ما نیز جهاد کرده ایم؟ حضرت فرمودند: ایشان ایمان آورده ولی ایمانشان را به ظلم و ستم آلوده نکردند و با همین حال از دنیا رفتند و من بر این امر شهادت می دهم و شما پس از من در این دنیا باقی می مانید و نمی دانم پس از من چه خواهید کرد.

مترجم گوید:

این کلام حضرت اشاره است به ارتداد و ستم های اصحاب پس از رحلت آن وجود مبارک پس کلمه «لا ادری» نه به معنای نفی علم باشد بلکه کنایه است از حوادث واقعه بعد از آن جناب چنانچه در عرف این نحو تعبیر معمول می باشد.

کامل الزیارات / ترجمه ذهنی تهرانی، ص: ۹۶۱

حضور در بقیع در شب نیمه شعبان

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شب نیمه شعبان، خواب بودم که جبرئیل علیه السلام نزد من آمد و گفت: "ای محمّد! در چنین شبی می خوابی؟! گفتیم: ای جبرئیل! مگر این شب، چه شبی است؟ گفت: "شب نیمه شعبان است. برخیز، ای محمّد. مرا برخیزاند و به بقیع بُرد. سپس به من گفت: "سرت را [به سوی آسمان] بالا بگیر؛ زیرا امشب، شبی است که در آن، درهای آسمان باز می شوند. در این شب، درهای رحمت و درِ رضوان و درِ آمرزش و درِ فضل و درِ توبه و درِ نعمت و درِ بخشش و درِ احسان، گشوده می گردند. در این شب، خداوند به شمارِ تارهای مو و پشم چارپایان [از آتش دوزخ] آزاد می کند و در همین شب، خداوند، اجل ها را رقم می زند و باز در همین شب، روزی ها را از سال تا سال، تقسیم می کند و آنچه را در سرتاسر سال رُخ خواهد نمود، نازل می نماید.

ص: ۵۳

حکمت نامه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، ج ۱۰، ص: ۱۴۵

محل ایستادن پیامبر صلی الله علیه و آله

به نقل برزنجی، تا قرن سیزدهم هجری، در نزدیکی قُبه ائمه اربعه، در بیرون در ورودی آن، سنگی نصب بود که گفته می شد محل ایستادن حضرت رسول صلی الله علیه و آله بوده و مردم آنجا را محل استجابت دعا می شناختند. آثار اسلامی مکه و مدینه، ص:

۳۷۶

استغفار پیامبر صلی الله علیه و آله برای اهل بقیع

در روایت آمده، وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به همان مرضی که از دنیا رفتند، بیمار شدند، دستمالی به سر بسته و طرف راستش بر دوش علی علیه السلام و طرف چپش بر دوش فضل بن عباس، به سوی قبرستان بقیع حرکت کردند، و بیشتر مردم همراه حضرت بیرون آمدند، و فرمودند: ای مردم زمان رفتنم فرا رسیده و از سوی خدا مأمورم که برای اهل بقیع استغفار نمایم، سپس به راه خود ادامه داد، تا به بقیع رسید، و فرمود: سلام بر شما ای اهل توبه و ای اهل غربت، گوارا باد بر شما که نجات یافته اید از آنچه مردم در پیش دارند، فتنه هایی بسان پاره های شبهای تاریک به سوی مردم رخ نموده، که اول و آخر آنها یکی است (و یک جریان است). سپس برای اهل بقیع مکرراً آمرزش خواست و بازگشت. (۱)

از ابو مویهبه روایت شده است که گفت: نیمه شب بود که پیامبر کس نزد من فرستاد و گفت: «ای ابو مویهبه، من فرمان یافته ام تا درباره اهل این بقیع آمرزش بطلبم، با من بیا.» ابو مویهبه گوید: من با او روانه شدم تا بدانجا رسیدیم. پیامبر گفت: «درود بر شما ای مردم گورستان، گوارا باد شما را آنچه در آن هستید و جز شما در آن نیستند.» (۲)

ص: ۵۴

۱- إرشاد القلوب / ترجمه سلگی، ج ۱، ص: ۹۹

۲- آفرینش و تاریخ / ترجمه، ج ۲، ص: ۷۵۸

دعا در بقیع

عایشه در نقلی گفته است: برخی شب‌ها شاهد بود که رسول خدا صلی الله علیه وآله به آرامی از بستر بر می‌خاست و بیرون می‌رفت. یک بار که او را دنبال کرد، دید که حضرت به بقیع رفت و برای دفن شدگان آن طلب استغفار کرد. از همو نقل شده است که پیامبر وقتی در آخر شب به بقیع می‌رفت، می‌فرمود: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ دَارَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ وَأَنَا كُمْ مَا تُوعِدُونَ غَدًا مُؤَجَّلُونَ وَإِنَّا أَنْ شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِأَهْلِ بَقِيعِ الْعَرْقَدِ». «۱»

درود بر شما، [مدفون در] خانه گروهی مؤمن، خداوند آنچه را برای فردای شما وعده داده به شما خواهد داد و ما نیز به شما خواهیم پیوست. خدایا! اهل بقیع غرقد را بیامرز.

آثار اسلامی مکه و مدینه، ص: ۳۷۶

امیرالمومنین علیه السلام و بقیع

سلام کردن خورشید به امیرالمومنین علیه السلام در بقیع

رسول خدا نماز صبح را خواند مردم می‌آمدند و عرض میکردند ستاره ای در آسمان بجا مانده و این ستاره هنوز باقی است رسول خدا در پاسخ آنان فرمود اینکه حبیب من جبرئیل است که درین باب آیه ای از قرآن آورده که هم اکنون می‌شنوید سپس آیه را خواند «وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ مَا ضَلَّٰ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ» «۱» بعد ستاره بلند شد مردم تماشا میکردند و خورشید تابید و ستاره در آسمان نماند شد سپس گروهی از منافقان گفتند اگر بخواهد این خورشید را فرمان میدهد که علی را با نام صدازند و خورشید بگوید این پروردگار شماست او را پرستش کنید سپس جبرئیل فرود آمد پیامبر را با آنچه منافقان گفته بودند آگاه کرد و خبر داد و این داستان در شب و صبح پنجشنبه بود سپس پیامبر با چهره ی گرمی روی بمردم آورد و فرمود علی را از منزلش بخوانید بیاید علی را خواندند.

ص: ۵۵

فرمود ای ابا الحسن گروهی از منافقان امت من به معجزه ی فرود آمدن ستاره قناعت نکردند بطوری که گفته اند اگر محمد بخواد خورشید را فرمان می‌دهد که علی را با سم صدا زند و بگوید این پروردگار شماست او را پرستش کنید همانا تو ای علی فردا بعد از نماز صبح بسوی بقیع برو، در محل طلوع خورشید بایست پس هر گاه خورشید درخشد او را بدعائی که بتو یاد میدهم بخوان و بگو سلام بر تو ای آفریده خداوند و گوش فراده که برای تو چه میگوید و چه بتو برمیگرداند بعد بسوی من آن خبر را بیاور مردم گفتار رسول خدا را شنیدند آن نه نفر فسادکننده ی در زمین هم گفتار پیامبر را شنیدند.

سپس گروهی از آنان به بعضی دیگرشان گفتند همیشه محمد شما را فریب می‌دهد که در باره ی پسر عمش معجزه ای آشکار کند بد سخنی امروز محمد گفت، دو نفر از آنان گفتند و شدیداً هم سوگند یاد کردند آن دو ابو بکر و عمر بودند که ما فردا خواهی نخواهی در بقیع حاضر میشویم تا اینکه به بینیم و بشنویم آنچه را که میباشد از طرف علی و خورشید.

چون رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم نماز صبح را خواند و علی هم با وی نماز خواند رو بعلی کرد و فرمود، ای ابا الحسن حرکت کن برو بسوی آنچه که ترا خدا و رسولش فرمان داده برو بسوی بقیع تا بخورشید بگوئی آنچه را گفتیم و دعاها را بگوش او خواند سپس امیر المؤمنین بیرون آمد بسوی بقیع رفت تا اینکه خورشید طالع شد سپس آرام آرام آن دعا را خواند که هیچ کس نمی فهمید مردم گفتند این مهمه ی علی دعای محمد است که از طریق سحر بوی آموخت.

سپس علی علیه السلام بخورشید فرمود سلام بر تو ای آفریده ی جدید خدا خداوند خورشید را به سخن آورد بزبان عربی روشن سپس گفت عليك السلام ای برادر رسول خدا و وصی او گواهی میدهم باینکه تو اول و آخر و ظاهر و باطن هستی و تو بنده ی خدا و برادر رسول خدا از روی حق و حقیقتی، اندام مردم بلرزه در آمد و خردهایشان در هم آمیخت و از خشم صورتهایشان سیاه شد و سوی رسول خدا آمدند.

عرضکردند ای رسول خدا این امر شگفت آور چیست از قدرت پیامبر و رسولان و امتهای گذشته و قدیم خارج است تو بما میگفتی علی بشر نیست و او پروردگار شماست او را پرستش کنید سپس رسول خدا بآنان فرمود در مقابل مردم در میان مسجد میگوئید آنچه را را خورشید گفت و گواهی میدهد بآنچه که شنیدید آنان گفتند علی حاضر می شود که بگوید ما بشنویم و گواهی دهیم بآنچه که بخورشید گفت و آنچه خورشید برای او گفت سپس رسول خدا بآنان فرمود نه بلکه شما بگوئید. عرض کردند که علی بخورشید فرمود: سلام بر تو ای آفریده ی جدید خداوند، بعد از آنکه مردم مهمه کردند و از گفته ی او بقیع بلرزه در آمد سپس خورشید او را پاسخ داد و گفت بر تو سلام ای برادر رسول خدا و جانشین او من گواهی میدهم که تو اولی و آخری و ظاهری و باطنی و همانا تو بنده ی خدا و برادر رسول خدائی رسول خدا بمردم فرمود سپاس پروردگاری را که ما را ویژه آنچه را که شما جاهلید قرار داد و بما بخشید آنچه را که نمی دانید. شما می دانید که من علی را برادر خودم قرار دادم سوای شما و شما را گواه گرفتم که علی وصی من است چرا انکار کردید چرا آنچه را خورشید در باره ی او گفت نمیگوئید که تو اول و آخر و ظاهر و باطنی. عرضکردند ای رسول خدا بواسطه ی اینکه شما فرمودید که خداوند اول و آخر و ظاهر و باطن است در کتابش که از آسمان بر تو فرود آمده سپس رسول خدا فرمود وای بر شما از کجا میدانید که خورشید چه گفته است اما گفته ی خورشید که گفت یا علی تو اولی راست است علی اول کسی است که ایمان آورده بخدا و رسولش از کسانی که من بایمان دعوت کردم از مردان و خدیجه است از میان زنان.

و اما گفته ی خورشید که گفت آخری بواسطه ی اینست که علی آخرین وصی و من آخرین پیامبر و خاتم پیامبرانم و اما گفته اش که گفت ظاهر همانا هر چه خدا بمن بخشید از علم و دانش علی ظاهر و آشکارا کرد، دانش او غیر دانش من نیست و خدا بعد از من جز بعلی و فرزندانش دانش خود را نیاموخت و اما گفته ی خورشید که گفت باطن بخدا سوگند که علی باطن علم و دانش اولین و آخرین و سایر کتابهای فرود آمده ی بر پیامبران و رسولانست و خداوند نیفزود بمن علمی را که علی او را نمیدانست و نه بخشید بمن وصفی را که باو هم عطا نکرد مردم سپس چه چیز را انکار میکنید.

همه ی آنان گفتند ای رسول خدا ما استغفار می کنیم اگر آنچه را که شما میدانید ما هم بدانیم برتری شما و علی بر ما از میان برداشته می شود از خدا برای ما طلب آمرزش کن سپس خداوند سبحان این آیه را فرو فرستاد: «سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ» این آیه در سوره ی منافقانست این داستان هم از نشانه های امامت علیه السلام است.

(۱) آیات اول سوره ی نجم سوگند بستاره چون فرود آید که رسول شما گمراه نیست او بخواهش نفس سخن نمیگوید سخنش جز وحی نیست جبرئیل او را آموخت.

إرشاد القلوب / ترجمه رضایی، ج ۲، ص: ۱۲۵-۱۲۸

بیان اسرار کائنات در بقیع

ابن عباس گوید: در یک شب مهتاب امیرالمومنین علیه السلام دست مرا گرفت و بطرف بقیع برد و گفت: ای عبد الله بخوان، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ را قرائت کردم، وی در اسرار بِسْمِ اللَّهِ سخن گفت، تا هنگامی که صبح شد و هوا روشن گردید، و فرمود: از من از اسرار کائنات سؤال کن، ما وارث علوم پیامبران هستیم.

ص: ۵۸

ایمان و کفر (ترجمه کتاب الایمان و الکفر بحار الأنوار جلد ۶۴ / ترجمه عطاردی)، ج ۱، ص: ۱۳

زنده کردن مرده در بقیع

از عیسی شلقان، گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: که امیر المؤمنین علیه السلام در بنی مخزوم چند دانی داشت، یکی جوانی از آنها آمد خدمت او گفت: دانی جان، برادرم مرده و من سخت بر او اندوه می خورم. گوید: علی علیه السلام به او فرمود: می خواهی او را زنده ببینی؟

گفت: آری، فرمود: قبرش را به من به نما گوید: بُرد رسول خدا صلی الله علیه و آله را به بر کرد و ازار خود ساخت و چون به سر آن قبر رسید، دو لبش جنیدند و سر پائی به آن گور زد و آن مرده، از آن بر آمد و به زبان فرس سخن می گفت، امیر المؤمنین علیه السلام به او فرمود: مگر تو عرب نمردی؟ گفت: چرا ولی پیرو روش فلان و فلان مردیم و زبان ما برگشت.

أصول الکافی / ترجمه کمره ای، ج ۳، ص: ۳۱۷

بیرون آوردن صد شتر سرخ مو از صخره

امیرالمؤمنین علیه السلام در مجلسی نشسته بود که مرد عربی آمد و سلام کرد و گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله به من وعده ای داد و من آمدم و از بر آورنده وعده اش پرسیدم که تو را به من نشان دادند. آیا به آنچه پیامبر وعده داده می رسم؟ حضرت فرمود: آری. آن مرد گفت: آن وعده، صد شتر سرخ مو است. و به من گفت: اگر از دنیا رفتم و تو قرضت را خواستی، جانشین من به تو می دهد. و پیامبر دروغ نگفته و اگر تو در ادعایت راستگو هستی پس سریعاً آنها را به من بده و به وعده وفا کن. آنگاه علی علیه السلام به فرزندش امام حسن علیه السلام فرمود: ای حسن! بر خیز و حضرت بر خاست. علی - علیه السلام - فرمود: برو و فلان چوب دستی رسول خدا صلی الله علیه و آله را بردار و به بقیع برو و آن را سه مرتبه به فلان سنگ بزن. و نگاه کن بین چه چیز بیرون می آید، هر چه آمد آن را بگیر و به این مرد بده و بگو: آنچه را دیده است پوشیده دارد (و به کسی نگوید). امام حسن علیه السلام با چوب دستی پیامبر به آن محل رفت و دستور علی علیه السلام را اجرا کرد. ناگهان سر شتر از سنگ نمایان شد که افسار نیز بر سرش بود. حضرت افسار را گرفت و کشید تا اینکه صد شتر بیرون آمد و مجدداً شکاف سنگ به هم آمد. شتران را به آن مرد داد و فرمود: آنچه را دیدی پوشیده دار.

ص: ۵۹

آن مرد گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله و پدرت راست گفتند .

جلوه های اعجاز معصومین علیهم السلام، ص: ۴۰۹

دفاع از قبر مخفی حضرت زهرا علیها السلام

محمّد بن همام می گوید: روایت شده: حضرت فاطمه علیها السلام در روز بیستم ماه جمادی الآخر از دنیا رحلت نمود. عمر مبارکش هجده سال و هشتاد و پنج روز بود. حضرت علی علیه السلام آن بانو را غسل داد. به هنگام غسل دادن وی غیر از حضرت علی علیه السلام، حسنین علیهما السلام، زینب، امّ کلثوم، فضه خادمه و اسماء بنت عمیس کسی دیگر حضور نداشت. آنگاه جنازه آن بانو را شبانه با حضور حسنین علیهما السلام به جانب بقیع حمل نمودند و نماز بر بدن مبارک خواندند، کسی از فوت ایشان مطلع نشد، احدی از مردم بر بدن آن بانو نماز نخواند مگر آن افرادی که گفته شد. علی علیه السلام بدن مبارکش را در روضه مقدسه دفن و موضع قبرش را پنهان کرد. صبح آن شبی که فاطمه علیها السلام را دفن نمودند اثر چهل قبر جدید در قبرستان بقیع مشاهده می شد.

هنگامی که مسلمانان از رحلت حضرت فاطمه آگاه و متوجه بقیع شدند با چهل قبر جدید مواجه گردیدند، نتوانستند قبر حضرت زهرا را از میان آن چهل قبر تشخیص دهند.

عموم مردم از این مصیبت ضجّه کردند و یک دیگر را ملامت نمودند و گفتند: پیغمبر شما بیش از یک دختر یادگاری نهاد، فاطمه رحلت کرد و دفن شد و شما به هنگام مردنش حاضر نشدید، نماز بر جنازه اش نگذاشتید و محل قبر او را هم نمی دانید! زعمای قوم گفتند: گروهی از زنان مسلمان را احضار کنید که این قبرها را بشکافند تا جنازه فاطمه را به دست بیاوریم و بر بدن او نماز بخوانیم و قبرش را زیارت کنیم.

ص: ۶۰

هنگامی که خبر این توطئه به گوش حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام رسید، در حالی آمد که خشمناک، چشمان مبارکش سرخ، رگهای گردنش بیرون زده، قبای زرد رنگی پوشیده بود که آن را به هنگام غضب و ناراحتی می پوشید و دست بر ذوالفقار گرفته بود، آمد تا وارد بقیع شد. شخصی به میان مردم رفت و گفت: این علی بن ابی طالب است که با این حالت آمده و سوگند می خورد که اگر یک سنگ از این قبور جابجا شود شمشیر را در میان همه شما بگذارد و تا آخرین نفر شما را نابود نماید.

عمر در حالی که با یارانش بود، با حضرت امیر علیه السلام ملاقات کرد و گفت: ای ابو الحسن! چه منظور داری؟ به خداوند سوگند ما قبر فاطمه را می شکافیم و بر جنازه اش نماز می گزاریم. حضرت امیر لباسهای وی را گرفت و او را از جای بر کند و بر زمین زد و فرمود: ای ابو السوءاء! من حقّ (یعنی مقام خلافت) خود را بدین جهت از دست دادم که مبادا مردم از دین خویش برگردند.

اما در باره قبر فاطمه: به حقّ آن خدایی که جان علی در دست قدرت اوست اگر تو و یارانت راجع به این قبرها عملی انجام دهید زمین را از خون شما سیراب خواهیم کرد. عمر! از این خیال در گذر! پس از عمر ابو بکر با حضرت امیر ملاقات نمود و گفت:

ای ابو الحسن! تو را به حقّ پیغمبر اسلام و آن کسی که بالای عرش است سوگند می دهم که از عمر دست برداری، زیرا ما از انجام دادن عملی که تو نمی پسندی خودداری می کنیم.

راوی می گوید: علی علیه السلام عمر را رها کرد و مردم پراکنده شدند و به دنبال مقصود خود بازنگشتند.

زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار) ترجمه روحانی، ص: ۵۹۴-۵۹۵

حضرت زهرا علیها السلام و بقیع

بیت الأحزان

پیش از این در داخل بقیع و در نزدیکی قبور چهار امام علیه السلام مسجد کوچکی بوده که به «بیت الاحزان» شهرت داشته و در متون تاریخی قرون آغازین اسلامی تا این اواخر، از آن یاد شده است. براساس آنچه در برخی از منابع آمده، اینجا محل گریه حضرت فاطمه زهرا علیها السلامدر سوگ پدرش بوده است. این مکان در آغاز، خانه محقری متعلق به حضرت بوده که پس از آن به «بیت الأحزان» یا «قبة الحزن» شهرت یافته و زمان های متأخر به عنوان مسجد فاطمه علیها السلام از آن یاد شده است. این محل در شمال قبر عباس بن عبدالمطلب و قبور چهار امام علیه السلام قرار داشته و بعدها ضمیمه بقیع شده است. در مدینه جای دیگری به عنوان بیت الأحزان مطرح نبوده است.

از غزالی نویسنده معروف نقل شده که گفت: مستحب است زائر مدینه هر روز پس از سلام بر رسول خدا صلی الله علیه و آله به بقیع برود ... و در مسجد فاطمه علیها السلام نماز بگزارد.

آثار اسلامی مکه و مدینه، ص: ۴۰۴

امام حسن علیه السلام و بقیع

مرا در بقیع دفن کن

محمد بن مسلم گوید شنیدم امام باقر علیه السلام می فرمود: چون حسن بن علی علیه السلام بحالت احتضار در آمد، بحسین فرمود، برادرم! بتو وصیتی میکنم، آن را حفظ کن، چون من مردم، جنازه ام را آماده دفن کن سپس مرا بسوی رسول خدا صلی الله علیه و آله بر تا با او تجدید عهدی کنم، آنگاه مرا بجانب مادرم فاطمه علیها السلام برگردان، سپس مرا ببر و در بقیع دفن کن و بدان که از طرف حمیرا، (عایشه) که مردم از زشتکاری و دشمن او با خدا و پیغمبر و ما خاندان آگاهند، مصیبتی بمن میرسد، پس چون امام حسن علیه السلام وفات کرد و روی تابوتش گذاردند، او را بمحلی که پیغمبر صلی الله علیه و آله بر جنازه ها نماز میخواند بردند، امام حسین بر جنازه نماز گذارد و چون نمازش تمام شد داخل مسجدش بردند، چون بر سر قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله نگاهش داشتند، بعایشه خبر بردند و باو گفتند، بنی هاشم جنازه حسن بن علی علیهما السلام را آورده اند تا در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله دفن کنند، عایشه بر استری زین کرده نشست و شتافت- او نخستین زنی بود که از دوران اسلام بر زین نشست- آمد و ایستاد و گفت: فرزند خود را از خانه من بیرون برید، که نباید در اینجا چیزی دفن شود و حجاب پیغمبر صلی الله علیه و آله دریده شود.

ص: ۶۲

أصول الکافی / ترجمه مصطفوی، ج ۲، ص: ۷۴

امام سجاد علیه السلام و بقیع

در محله بنی هاشم که از سال ۱۳۶۳ به بعد تخریب شد، دو منزل وجود داشت که به «دار علی بن الحسین» و «دار جعفر بن محمد» علیه السلام مشهور بود. این مکان که اکنون تخریب شده، در همان فضایی قرار داشت که اکنون سنگفرش شده و میان در اصلی بقیع تا حرم رسول خدا صلی الله علیه و آله است. در منابع شیعه توصیه به خواندن نماز در این دو خانه شده است. این نشانگر قدمت این دو خانه است. سمهودی در کتابش از خانه ابویوب انصاری و خانه امام جعفر صادق علیه السلام در این محوطه یاد کرده است. (۴)

آثار اسلامی مکه و مدینه، ص: ۴۰۶

امام باقر علیه السلام و بقیع

اللهم ارحم غربته

از عمرو بن ابی المقدام، از پدرش، وی گفت: در خدمت حضرت ابی جعفر علیه السلام به قبرستان بقیع عبور کردیم،

به قبر مردی از شیعیان که اهل کوفه بود رسیدیم، به حضرت عرض کردم: این قبر یکی از شیعیان است فدایت شوم.

راوی می گوید: حضرت درنگ نمود و فرمودند: بار خدایا به غربتش رحم فرما، وحدت و تنهائیش را به پیوند مبدل کن، در حال وحشتش انس بر قرار فرما، هراس او را بر طرف کن، از رحمت آن قدر نصیبتش نما که از رحمت غیر تو بی نیاز گردد، و ملحقش کن به آنان که وی ایشان را دوست دارد.

کامل الزیارات / ترجمه ذهنی تهرانی، ص: ۹۶۶

امام صادق علیه السلام و بقیع

خانه عقیل

به نقل از ابن نجار (م ۶۴۳) عوسجه نامی می گوید: در شبی، در نزدیکی دار عقیل مشغول دعا بودم که جعفر بن محمد علیه السلام به من رسید و پرسید: آیا درباره این محل خبر یا حدیثی وارد شده که اینجا ایستاده ای؟ گفتم: نه. فرمود: «هذا مَوْقِفُ نَبِيِّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِاللَّيْلِ، إِذَا جَاءَ، يَسْتَعْفِرُ لِأَهْلِ الْبُقَيْعِ». ابن نجار می افزاید: خانه عقیل همانجاست که او در آنجا دفن شده است.

ص: ۶۳

آثار اسلامی مکه و مدینه، ص: ۳۷۷

خانه امام صادق علیهما السلام

در محله بنی هاشم که از سال ۱۳۶۳ به بعد تخریب شد، دو منزل وجود داشت که به «دار علی بن الحسین» و «دار جعفر بن محمد» علیه السلام مشهور بود. این مکان که اکنون تخریب شده، در همان فضایی قرار داشت که اکنون سنگفرش شده و میان در اصلی بقیع تا حرم رسول خدا صلی الله علیه و آله است. در منابع شیعه توصیه به خواندن نماز در این دو خانه شده است. این نشانگر قدمت این دو خانه است. سمهودی در کتابش از خانه ابویوب انصاری و خانه امام جعفر صادق علیه السلام در این محوطه یاد کرده است. «۴»

آثار اسلامی مکه و مدینه، ص: ۴۰۶

مدفون شدگان در بقیع

اُمّه بقیع

امام حسن بن علی علیهما السلام

امام مجتبی علیه السلام در نیمه رمضان سال سوم هجرت در مدینه زاده شد و از همان دوران کودکی مورد علاقه شدید رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار گرفت، پس از رحلت آن حضرت، در کنار امیر مؤمنان علیه السلام در همه عرصه ها حضور داشت و سرآمد مردم روزگار خود پس از پدر بزرگوارش بود، وی برای دفاع از اسلام و ولایت در جنگ های جمل، صفین و نهروان شرکت جست.

پس از شهادت پدر، به امامت منصوب و حدود شش ماه خلافت کرد، سپس معاویه جنگی را بر آن حضرت تحمیل نمود و به دلیل اینکه مردم ایشان را تنها گذاشتند ناچار به پذیرش صلح نامه پیشنهادی از سوی معاویه گردید و سرانجام به تحریک معاویه پسر ابوسفیان، در سال ۵۰ ه. ق. توسط همسرش جعدۀ دختر اشعث بن قیس، مسموم و به شهادت رسید و در بقیع به خاک سپرده شد.

ص: ۶۴

کرامت، اخلاق و فضائل گوناگون آن حضرت موجب شده بود تا مردم ایشان را کریم اهل بیت بخوانند و محبوب قلوب مردم بود. (۱)

در کتاب کافی از امام محمد باقر علیه السلام روایت میکند که فرمود: هنگامی که اجل امام حسن فرا رسید به امام حسین فرمود: ای برادر! این وصیتی را که من میکنم حفظ کن. موقعی که من از دنیا رفتم جنازه ام را آماده کن و بحضور جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله ببر تا با آن بزرگوار تجدید عهد نمایم،.... آگاه باشید که بزودی از عایشه مصیبتی به جنازه من خواهد رسید و مردم از اعمال و رفتار و عداوت عایشه نسبت بخدا و رسول و اهل بیت آگاه خواهند شد. (۲)

این گروه مخالف گمان میکنند شما در نظر دارید مرا نزد جدم پیغمبر خدا دفن کنید، لذا از شما جلوگیری مینمایند، من تو را بخدا قسم میدهم که مبادا در باره دفن من بقدر یک خون حجامت خونریزی کنی!

موقعی که امام حسین جنازه مبارک امام حسن را غسل داد و کفن کرد و بر فراز تابوت نهاد و متوجه قبر پیغمبر معظم اسلام صلی الله علیه و آله شد تا تجدید عهد نماید مروان بن حکم با تابعین خود که گروهی از بنی امیه بودند آمدند. مروان گفت: آیا جا دارد عثمان در دورترین نقطه مدینه دفن شود و امام حسن در جوار پیامبر خدا؟! هرگز این موضوع عملی نخواهد شد سپس عایشه که بر استری سوار بود آمد و گفت: شما در نظر دارید شخصی را در خانه من داخل کنید که من او را دوست ندارم؟

عائشه به امام حسین گفت: این جنازه را از من دور کنید و ببرید! زیرا شما گروهی هستید خصومت کننده.

ابن عباس متوجه عایشه شد و به وی گفت: وا مصیبتاه! یک روز بر شتر و یک روز بر استر سوار میشوی! و اگر زنده بمانی بر فیل هم سوار خواهی شد. (۳) امام حسین علیه السلام جنازه امام حسن علیه السلام را از آنجا خارج کرد و در بقیع دفن نمود. (۴)

ابن شهر آشوب در کتاب مناقب مینویسد: جنازه امام حسن را بنحوی تیر باران نمودند که تعداد هفتاد تیر از بدن مبارکش خارج کردند. (۵)

این گوشه ای از برخورد دشمنان اولیه با بدن امام مجتبی علیه السلام می باشد و تابعین آنها یعنی وهابیت هم به تبعیت از آنها با تخریب قبور قبرستان بقیع از جمله مرقد امام مجتبی علیه السلام بغض و کینه خود و بی ادبی خود را نسبت به اهل البیت پیامبر نشان دادند.

(۱) تخریب و بازسازی بقیع به روایت اسناد، ص: ۱۸

(۲): زندگانی حضرت امام حسن علیه السلام، علامه مجلسی ص: ۱۶۹

(۳): زندگانی حضرت امام حسن علیه السلام، علامه مجلسی ص: ۱۶۶

(۴): زندگانی حضرت امام حسن علیه السلام، علامه مجلسی ص: ۱۶۵

(۵): زندگانی حضرت امام حسن علیه السلام، علامه مجلسی ص: ۱۵۲

امام زین العابدین علی بن الحسین علیهما السلام

امام سجاد علیه السلام در سال ۳۸ ه. ق. در مدینه به دنیا آمد و در دوران امامت حسن بن علی علیهما السلام و پدر بزرگوارش حسین ابن علی علیهما السلام رشد یافت. در کربلا همراه پدر بود اما به خواست خداوند و به دلیل بیماری شدیدی که در آن چند روز بر آن حضرت عارض گردید، نتوانست سلاح در دست گیرد و از حریم دین و ولایت دفاع کند. آن حضرت پس از حادثه عاشورا همراه با دیگر بازماندگان کربلا به اسارت درآمد و ابتدا به کوفه و سپس به شام منتقل گردید.

ص: ۶۶

از آن پس نزدیک سی و چهار سال امامت کرد و سرانجام در سال ۹۴ ه. ق. به تحریک ولید بن عبدالملک مسموم و به شهادت رسید و در کنار امام مجتبی علیه السلام در بقیع آرمید.

زهد و عبادت و کرم و بزرگواری آن حضرت زبان زد خاص و عام و دوست و دشمن بود.

تخریب و بازسازی بقیع به روایت اسناد، ص: ۱۹

امام محمد بن علی بن الحسین علیهم السلام

امام باقر علیه السلام در سال ۵۷ ه. ق. به دنیا آمد و تا سال ۹۴ ه. ق. در کنار پدر بزرگوارش در مدینه زندگی کرد. پس از شهادت پدر به امامت و رهبری رسید و شاگردان فراوانی را تربیت کرد. وی در نشر معارف اسلامی و مکتب اهل بیت پیامبر علیهم السلام گام های بلندی برداشت.

از این رو آن حضرت را «باقر العلوم» یعنی شکافنده دانش ها لقب دادند. امام باقر علیه السلام در سال ۱۱۴ و یا ۱۱۷ ه. ق. به تحریک هشام بن عبدالملک به شهادت رسید و در کنار پدر بزرگوارش در بقیع به خاک سپرده شد.

تخریب و بازسازی بقیع به روایت اسناد، ص: ۱۹

امام جعفر بن محمد الصادق علیهما السلام

آن حضرت در سال ۸۰ یا ۸۳ ه. ق. به دنیا آمد و پس از شهادت پدر، رهبری پیروان اهل بیت علیهم السلام را بر عهده گرفت و در دوران حیات پر بار خود، هزاران شاگرد را در رشته ها و علوم مختلف تربیت کرد. منصور دومین خلیفه عباسی بر آن حضرت به شدت سخت گرفت و سرانجام در ۲۵ شوال ۱۴۸ ه. ق. به تحریک وی، آن حضرت مسموم و به شهادت رسید و در بقیع کنار جد و پدرش دفن شد.

ص: ۶۷

تخریب و بازسازی بقیع به روایت اسناد، ص: ۱۹

قبور فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله

زینب

بزرگترین دختر پیامبر صلی الله علیه و آله زینب بود که از خدیجه متولد شد. او با ابوالعاص بن ربیع ازدواج کرد و در سال هشتم هجری قمری بدرود حیات گفت.

تخریب و بازسازی بقیع به روایت اسناد، ص: ۲۳

ام کلثوم

ام کلثوم همسر عتیبه بن ابی لهب بود. وی در سال سوم هجرت به عقد عثمان در آمد و در سال ۹ ه. ق. وفات یافت و در حالی که پیامبر صلی الله علیه و آله بر او می گریست در بقیع به خاک سپرده شد.

تخریب و بازسازی بقیع به روایت اسناد، ص: ۲۳

رقیه

رقیه در مکه به عقد عتبه بن ابی لهب و پس از وی به عقد عثمان در آمد. او به حبشه هجرت کرد سپس از حبشه به مدینه آمد و سرانجام در سال دوم هجرت بر اثر بیماری وفات یافت. برخی وفات او را سال چهارم هجرت ذکر کرده اند. پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد او را در بقیع به خاک سپردند.

تخریب و بازسازی بقیع به روایت اسناد، ص: ۲۴

ابراهیم علیه السلام

ابراهیم فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله در ذی الحجه سال ۸ ه. ق. در مدینه از مادرش ماریه قبطیه متولد شد. پیامبر صلی الله علیه و آله به وی علاقه شدید داشت و عاطفه نشان می داد، اما او پس از یک سال و ده ماه از دنیا رفت و به دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله، در کنار قبر عثمان بن مظعون در بقیع به خاک سپرده شد. محلّ ولادت او «مشربه امّ ابراهیم» لقب گرفت که هم اکنون از آثار اسلامی مدینه به شمار می آید.

ص: ۶۸

تخریب و بازسازی بقیع به روایت اسناد، ص: ۲۴

همسران پیامبر مدفون در بقیع

ام سلمه

وی در شمار نخستین گروندگان به اسلام بود و در سال ۶۰ یا ۶۱ ه. ق. بدرود حیات گفت و در بقیع به خاک سپرده شد.

تخریب و بازسازی بقیع به روایت اسناد، ص: ۲۶

زینب بنت جحش (دختر عمه پیامبر صلی الله علیه و آله)

وی ابتدا به عقد زید بن حارثه درآمد و پس از آن که زید در سال پنجم هجرت او را طلاق داد، با رسول خدا صلی الله علیه و آله ازدواج کرد و سرانجام در سال ۲۰ ه. ق. در سن پنجاه سالگی درگذشت و در بقیع به خاک سپرده شد.

تخریب و بازسازی بقیع به روایت اسناد، ص: ۲۶

ماریه قبطیه

مادر ابراهیم، پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله است. وی در سال ۱۶ ه. ق. در مدینه درگذشت و در بقیع دفن گردید.

تخریب و بازسازی بقیع به روایت اسناد، ص: ۲۶

زینب بنت خُزیمه

وی همسر یکی از صحابه رسول خدا (عبدالله بن جحش) بود که پس از شهادت او، به عقد پیامبر صلی الله علیه و آله درآمد و پس از دو یا سه ماه در حالی که بیش از سی سال نداشت، در سال چهارم هجرت بدرود حیات گفت و در بقیع آرمید.

تخریب و بازسازی بقیع به روایت اسناد، ص: ۲۶

ام حبیبه دختر ابوسفیان

وقتی عبیدالله بن جحش، شوهر ام حبیبه در حبشه نصرانی شد، و از دنیا رفت، وی به عقد رسول خدا صلی الله علیه و آله درآمد و در سال ۴۲ یا ۴۴ ه. ق. در مدینه درگذشت و در بقیع به خاک سپرده شد.

ص: ۶۹

تخریب و بازسازی بقیع به روایت اسناد، ص: ۲۶

جویریہ بنت حارث

وی در سال پنجم یا ششم هجرت و پس از غزوه بنی المصطلق به ازدواج رسول خدا صلی الله علیه و آله درآمد و در سال ۵۰ یا ۵۶ ه. ق. در مدینه وفات یافت و در بقیع به خاک سپرده شد.

تخریب و بازسازی بقیع به روایت اسناد، ص: ۲۷

صفیه

او ابتدا به همسری «سَلَام بنِ مِشْکَم» درآمد و پس از مرگ شوهر با «کنانه بن ابی الحُقیق» ازدواج کرد، کنانه در جنگ خیبر کشته شد و صفیه اسیر گردید و رسول خدا صلی الله علیه و آله وی را آزاد کرد و به همسری گرفت. وی به گفته واقدی در سال ۵۰ ه. ق. در مدینه وفات یافت و در بقیع به خاک سپرده شد.

تخریب و بازسازی بقیع به روایت اسناد، ص: ۲۷

سوده دختر زمعه بن قیس

وی همسر پسر عمویش «سکران بن عمرو» بود که پس از وفات او، به عقد رسول خدا صلی الله علیه و آله درآمد. در سال ۵۰ یا ۵۴ ه. ق. در مدینه وفات یافت و در بقیع دفن شد.

تخریب و بازسازی بقیع به روایت اسناد، ص: ۲۸

ریحانه بنت زید

وی در سال ششم هجرت به عقد رسول خدا صلی الله علیه و آله درآمد و پس از حجه الوداع در گذشت و در بقیع به خاک سپرده شد.

تخریب و بازسازی بقیع به روایت اسناد، ص: ۲۸

قبر عمه های پیامبر صلی الله علیه و آله

صفیه، دختر عبدالمطلب

وی همسر عوام بن خُوَیَلد و مادر زبیر بود، در نبرد احد در شمار زنانی بود که به سوی احد آمد و بر شهادت حمزه مرثیه سرایی کرد و در جنگ خندق یک یهودی مهاجم را از پای درآورد. وی در سال ۲۰ ه. ق. در حالی که ۷۵ ساله بود بدرود حیات گفت و در بقیع به خاک سپرده شد.

ص: ۷۰

تخریب و بازسازی بقیع به روایت اسناد، ص: ۲۹

عاتکه، دختر عبدالمطلب

در برخی نقل ها آمده است که عاتکه پس از آمدن به مدینه، در این شهر وفات یافت و در بقیع به خاک سپرده شد. برخی نیز نوشته اند که عاتکه در مکه در گذشته و هرگز به مدینه نیامده است.

تخریب و بازسازی بقیع به روایت اسناد، ص: ۲۹

قبور دیگر زنان با فضیلت

فاطمه بنت اسد

او همسر ابوطالب، مادر علی بن ابی طالب علیه السلام و از نخستین بیعت کنندگان با رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و در آن دوران که ابوطالب کفالت رسول خدا صلی الله علیه و آله را به عهده گرفت سهم به سزایی در سرپرستی و خدمت به پیامبر صلی الله علیه و آله داشت. وی از آن چنان قداستی برخوردار گردید که به درون کعبه راه یافت و فرزندش علی بن ابی طالب علیه السلام را در آن جا به دنیا آورد.

هنگام رحلت او رسول خدا صلی الله علیه و آله به شدت متأثر گردید، در تشییع جنازه اش حاضر و بر وی نماز گزارد و در حالی که بر وی می گریست او را در قبر نهاد.

تخریب و بازسازی بقیع به روایت اسناد، ص: ۲۲

ام البنین

ام البنین دختر حزام بن خالد بود که به همسری علی ابن ابی طالب علیه السلام در آمد و از آن حضرت چهار پسر به نام های: عباس، جعفر، عثمان و عبدالله به دنیا آورد که همگی همراه با حسین بن علی علیهما السلام در کربلا به شهادت رسیدند. ام البنین در مدینه وفات یافت و در بقیع به خاک سپرده شد.

ص: ۷۱

تخریب و بازسازی بقیع به روایت اسناد، ص: ۳۰

حلیمه سعدیه

وی مادر رضاعی پیامبر صلی الله علیه و آله بود. پس از آن که در مدینه بدرود حیات گفت، در بقیع دفن گردید.

تخریب و بازسازی بقیع به روایت اسناد، ص: ۳۰

دیگر مدفونین بقیع

عقیل بن ابی طالب

وی برادر امیر مؤمنان علی علیه السلام و زاده فاطمه بنت اسد و از نظر سنّی بیست سال بزرگتر از آن حضرت بود. در راه گسترش اسلام فداکاری های بسیاری از خود نشان داد و در دوران پیری نابینا شد. وی قبل از واقعه حَرّه در اواخر حکومت معاویه و یا اوائل حکومت یزید درگذشت و در بقیع به خاک سپرده شد.

تخریب و بازسازی بقیع به روایت اسناد، ص: ۳۱

عبدالله بن جعفر

مادرش اسماء بنت عمیس بود. اسماء پس از آن که همراه شوهرش جعفر به حبشه هجرت کرد، عبدالله و دو فرزند دیگرش محمد و عون را در آن جا به دنیا آورد. عبدالله در جنگ موته پدر را از دست داد و در طول حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سپس همراه با امیر مؤمنان فداکاری های بسیاری در راه گسترش اسلام از خود نشان داد. حضرت علی علیه السلام زینب کبری علیها السلام را به ازدواج او درآورد، یکی از فرزندانش به نام عون در کربلا- به شهادت رسید و دو فرزند دیگرش نیز به دست امویان در واقعه حَرّه در مدینه به شهادت رسیدند. وی در سال ۸۰ هجری قمری به سن ۹۰ سالگی در مدینه درگذشت و در کنار عقیل در بقیع دفن شد.

تخریب و بازسازی بقیع به روایت اسناد، ص: ۳۲

ص: ۷۲

محمد بن علی معروف به ابن حنفیه

او از شخصیت های معروف صدر اسلام و فرزند بزرگوار امیرمؤمنان علیه السلام است. در جنگ های آن حضرت با قاسطین و مارقین و ناکثین شرکت داشت و در سال ۸۱ ه. ق. درگذشت و در بقیع به خاک سپرده شد.

تخریب و بازسازی بقیع به روایت اسناد، ص: ۳۲

ابوسفیان بن حارث

وی که پسر عموی پیامبر صلی الله علیه و آله بود، در سال ۶ ه. ایمان آورد و به سال ۲۰ هجری در مدینه درگذشت و در بقیع به خاک سپرده شد.

تخریب و بازسازی بقیع به روایت اسناد، ص: ۳۲

اسماعیل بن جعفر

اوفرزند امام صادق علیه السلام بود که با اهل و عیال خود در منطقه عَرِیض به سر می برد و سرانجام در دوران حیات پدر بزرگوارش در سال ۱۴۳ ه. ق. زندگی را بدرود گفت و در فاصله حدود ۱۵ متری قبور ائمه در بقیع به خاک سپرده شد. در طرح توسعه دولت سعودی و پس از احداث خیابان اباذر، قبر اسماعیل به داخل بقیع منتقل گردید.

تخریب و بازسازی بقیع به روایت اسناد، ص: ۳۳

عثمان بن مظعون

وی از افاضل صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و سیزدهمین کسی بود که به رسول خدا صلی الله علیه و آله ایمان آورد. دوبار به حبشه هجرت کرد و در جنگ بدر شرکت داشت و پس از بازگشت در بیست و دومین ماه هجرت درگذشت. عثمان بن مظعون نخستین مهاجری بود که در مدینه وفات یافت و در بقیع دفن شد.

تخریب و بازسازی بقیع به روایت اسناد، ص: ۳۳

اسعد بن زراره

ص: ۷۳

وی از بیعت کنندگان با پیامبر در عقبه و نخستین کسی بود که به دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز جمعه را در مدینه اقامه کرد. او در سال اول هجرت و در حالی که هنوز بنای مسجد النبی صلی الله علیه و آله به پایان نرسیده بود در گذشت. رسول خدا صلی الله علیه و آله بر جنازه او حاضر شد و وی را غسل داد و کفن پوشانید و در حالی که می گریست او را در بقیع درون قبر نهاد.

تخریب و بازسازی بقیع به روایت اسناد، ص: ۳۳

فُنیس بن مُذافه

وی از هجرت کنندگان به حبشه و از نخستین اسلام آورندگان بود و بر اثر زخمی که در جنگ بدر برداشت، سرانجام در سال سوم ه. ق. به شهادت رسید. پیامبر صلی الله علیه و آله بر جنازه اش نماز گزارد و او را کنار قبر عثمان بن مظعون در بقیع به خاک سپرد.

تخریب و بازسازی بقیع به روایت اسناد، ص: ۳۴

سعد بن معاذ

سعد از قبیله اوس و از صحابه بزرگ پیامبر صلی الله علیه و آله بود و در جنگ بدر پرچم دار اوسیان بود. در جنگ خندق مجروح شد و در آستانه شهادت قرار گرفت و سرانجام همزمان با غزوه بنی قریظه از دنیا رفت. پیامبر صلی الله علیه و آله بر او نماز گزارد و او را در بقیع، نزدیک قبر فاطمه بنت اسد به خاک سپرد.

تخریب و بازسازی بقیع به روایت اسناد، ص: ۳۴

عبدالله بن مسعود

او از نخستین کسانی است که به رسول خدا صلی الله علیه و آله ایمان آورد و در خواندن و آموختن قرآن به مرتبه والایی دست یافت و در جمع آوری قرآن نیز نقش داشت. وی در سال ۳۲ ه. ق. بدرود حیات گفت و در کنار قبر عثمان بن مظعون در بقیع به خاک سپرده شد.

ص: ۷۴

تخریب و بازسازی بقیع به روایت اسناد، ص: ۳۴

ابوسعید خُدری

وی از صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله بود در جنگ احد شرکت داشت. دارای دو خصلت علم و شجاعت بود. پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله از راویان مناقب اهل بیت به شمار می آمد. وی سرانجام در سال ۶۴ یا ۷۴ ه. ق. در مدینه وفات یافت و در نزدیکی قبر فاطمه بنت اسد به خاک سپرده شد.

تخریب و بازسازی بقیع به روایت اسناد، ص: ۳۵

مقداد بن اسود

او از صحابه جلیل القدر رسول خدا صلی الله علیه و آله و مورد علاقه آن حضرت بود. در سال ۳۳ ه. ق. در سن ۷۰ سالگی در جُرف، سه مایلی مدینه درگذشت. جنازه اش را به مدینه حمل کرده، در بقیع به خاک سپردند.

تخریب و بازسازی بقیع به روایت اسناد، ص: ۳۵

جابر بن عبدالله

وی از صحابه مشهور بود. در ۱۹ غزوه شرکت داشت. و سرانجام پس از ۹۴ سال، به سال ۹۰ ه. ق. درگذشت و در بقیع جای گرفت.

تخریب و بازسازی بقیع به روایت اسناد، ص: ۳۶

حکیم بن حزام

وی پسر برادر حضرت خدیجه علیها السلام بود که در روز فتح مکه اسلام آورد و پس از سال ۵۴ ه. ق. در مدینه درگذشت و در بقیع آرمید.

تخریب و بازسازی بقیع به روایت اسناد، ص: ۳۶

زید بن ثابت

وی از جمع آورندگان قرآن بود که در سال ۴۵ یا ۵۰ هجری وفات یافت و در بقیع به خاک سپرده شد.

تخریب و بازسازی بقیع به روایت اسناد، ص: ۳۶

ص: ۷۵

اسامه بن زید

وی در سال ۵۴ ه. ق. در سن ۵۷ سالگی در مدینه درگذشت.

تخریب و بازسازی بقیع به روایت اسناد، ص: ۳۷

شهدای حَرّه

تعدادی از شهدای واقعه حَرّه نیز که به دستور یزید و توسط مسلم بن عقبه و سربازان وی به شهادت رسیدند، در قبرستان بقیع مدفون اند.

تخریب و بازسازی بقیع به روایت اسناد، ص: ۳۷

عباس بن عبدالمطلب

عباس بن عبدالمطلب از شخصیت‌های بزرگ قریش و ۲ یا ۳ سال از رسول خدا صلی الله علیه و آله بزرگتر بود. در مکه از اظهار ایمان خودداری می‌کرد، در سال دوم به همراه قریش با اکراه در جنگ بدر شرکت جست، سپس به اسارت مسلمانان درآمد و با فدیة آزاد گردید و سرانجام در زمره بهترین یاران پیامبر صلی الله علیه و آله درآمد.

پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام وفادار ماند و در سال ۳۳ ه. ق. در زمان عثمان در مدینه درگذشت و در قبرستان بقیع دفن گردید.

تخریب و بازسازی بقیع به روایت اسناد، ص: ۲۱

اشعار

تخریب بقیع

گرد و غبار غم زده خیمه به سینه ام

من زائر قبور خراب مدینه ام

آن جا که گریه ها همه خاموش و بی صداست

هر کس بمیرد از غم آن سرزمین رواست

آن جا که بغض سینه گلو گیر می شود

حتی جوان ز غربت آن پیر می شود

خاکش همیشه سرخ و هوایش غباری است

از گریه های فاطمه آینه کاری است

اهل مدینه باب عداوت گشوده اند

بر اهل بیت ظلم فراوان نموده اند

ص: ۷۶

هر کس دم از علی زده تخریب می شود
 صدیقۀ مطهره تکذیب می شود
 دنبال بی کس اند که تنهاترش کنند
 صیاد بلبل اند که خونین پرش کنند
 از نسل هیزمند و به آتش علاقه مند
 تفریح شان تمسخر هر ناله بلند
 در خواب هم نشان حیا را ندیده اند
 نیروی خویش را به رخ زن کشیده اند
 بغض علی زبانه کشد از وجودشان
 رنگ ریا گرفته همه تار و پودشان
 روزی که راه حضرت صدیقہ بسته شد
 با ضربه ای حریم ولایت شکسته شد
 ظلمی اگر که هست از آن لحظه حاکی ست
 تصویر چادری ست که در کوچه حاکی ست
 امواج یک صدا دلم آزار می دهد
 گویا صدای صورت و دیوار می دهد
 گویا به گوش می رسد از قصه فدک
 آوای نیمه جان و ضعیف «علی کمک»
 تصویر هر چه درد از آن صحنه شد بدیع
 یک گوشه ای ز غربت آن لحظه شد بقیع
 اوراق خاطرات غیورانه نیلی است

هر چه که هست صحنه یک ضرب سیلی است

بی درد مردمان زمان جان مرتضی

ما را رها کنید بمیریم زین عزا

روزی رسد ز سینه غم آزاد می کنیم

همراه منتقم حرم آباد می کنیم

گلدسته می زنیم چونان صحن کربلا

گنبد بنا کنیم چونان مشهد الرضا

ما داغ دار سیلی ناحق مادریم

چشم انتظار منتقم آل حیدریم

قاسم نعمتی

بنویسید " حرم " کور شود چشم حسود

بنویسید سر آرند ملائکک به سجود

بنویسید که زیباست بدون گنبد

بنویسید که زیباست شبیه مشهد

سالیانی ست که با داغ بقیع میسوزیم

فانی شعله ی عشقیم، جهان افروزیم

مژده بر دیده که زائر شدنی خواهد بود

ص: ۷۷

مجلس هروله دایر شدنی خواهد بود

عاقبت چشم عدو نیز خزان خواهد دید

عوض آنچه به ما رفت گران خواهد دید

بنویسد " بقیع " گریه به راه اندازید

رخنه در سینه نمایید و آه اندازید

قلمی دست بگیرید که تشریح کنید

غزلی ساخته آن را پُر تلمیح کنید

ب " یعنی که بسوزیم بر این غربت عشق "

قاف " یعنی قسمی هست که بر تربت عشق "

خوردم و غصه ی ایام گریبان گیرم

شد و انگار همین بود همه قسمت عشق

ی " یعنی یخ ما آب نشد تا امروز "

پشت ابر است یگانه رخ آن طلعت عشق

عین " عطریست که در بین فضا پیچیده "

وه چه مستی دهد این تربت خوش نکهت عشق

بنویسد که ما چشم به ره دوخته ایم

...جزو زریه ی کاشانه ی در سوخته ایم

توحیدشالچان ناظر

با بی کسی و غربت و غم می سازیم

با شیون و آه دم به دم می سازیم

سوگند به آن چهار قبر خاکی

یک روز برایتان حرم می سازیم

یوسف رحیمی

می رسد از مدینه بوی غم

فاطمه باز دیده گریان شد

چونکه قبر چهار فرزندش

در حریم بقیع ویران شد

آتش کینه شعله ها دارد

از دل سر سپرده های یهود

لعنت حق به هر چه وهابی

لعنت فاطمه به آل سعود

قصد دارند ریشه را بزنند

صحبت از قبرها بهانه بُود

ریشه و بغض و کینه اینان

آتش و دود و تازیانه بُود

لعنت حق بر آن کسانی که

اولین شعله را به پا کردند

حق پیغمبر معظم را

با لگد پشت در ادا کردند

ص: ۷۸

در مدینه ز بعد پیغمبر
 ناله های بلند ممنوع است
 در مرام پلید این مردم
 زن زدن از امور مشروع است

گریه کردند آسمانی ها
 با نوای حزینه زهرا
 به گمانم که باز تازه شده
 داغ مسمار و سینه زهرا

بعد از آنکه زدند مادر ما را
 کینه های قدیم سر واکرد
 کاش روزی هیچکس نشود
 ضرب سنگین سیلی نامرد

کاش مهدی بیاید و با او
 ریشه فتنه را براندازیم
 عاقبت بهر مادر سادات
 گنبد و بارگاه می سازیم

با نیابت ز قبر مادرمان

سوی ام البنین سلام کنیم

دست بر سینه در مقابل او

مثل عباس احترام کنیمش

قاسم نعمتی

دوباره کینه ی اهل مدینه طوفان شد

دوباره مادر ما فاطمه پریشان شد

بنای اهل مدینه عذاب زهرا بود

بنای فاطمیون در بقیع ویران شد

چهار سنگ نشان چهار اقیانوس

هوا هوای غم و غصه ی غریبان شد

نه زائری نه چراغی نه گنبد و صحنی

نه روضه ای نه صدایی چه با عزیزان شد؟!

بیا عزیز دل فاطمه بساز حرم

که خون به قلب نبی و علی و قرآن شد

برو بقیع و بخوان روضه های آن کوچه

که شانه ی پسری تکیه گاه جانان شد

بخوان از آن گل یاسی که ارغوانی شد

بگو چه دید عمویت حسن که گریان شد

بیا و روز بقیع را خودت رضایی کن

بیا که خاک عموی تو العجل خوان شد

حسین ایمانی

منبع: raooof.org

پیامک

نه قبله در تو که قبله نماست در تو بقیع

نه کعبه کعبه اهل ولاست در تو بقیع

هزار مرتبه برتر از عرش حق هستی

ص: ۷۹

نیاز خانه اهل سماء است در تو بقیع

سلام من به مدینه، به آستان رفیعش

به مسجد نبوی و به لاله های غریبش

سلام من به علی و به حلم و صبر عجیبش

سلام من به بقیع و چهار قبرِ غریبش

نشسته باز دلم پشت درب بسته آنجا

گرفته باز دلم بهر قبر مخفی زهرا

آخر یه روز شیعه برات حرم می سازه

حرم برای تو شه کرم می سازه

بشکنند دستی که ویران کرد این گلخانه را

درعزا بنشانند او، شمع و گل و پروانه را

بشکنند دستی که هتک حرمت این خانه کرد

شیعه را سوزاند و خون در قلب صاحبخانه کرد

درون قلب جهان، انقلاب گشته بیا

نفس، بدون تو همچون عذاب گشته بیا

نظاره کن به فرا سوی مدینه و بین

حرم به دست حرامی خراب گشته بیا

این گلستان نبی بار دگر ویران شده

چشم های منتقم، بار دگر گریان شده

بعد تخریب بقیع و این ستم در آن دیار

گشت روشن، از چه قبر فاطمه پنهان شده

یا رب چه حکمتی ست در این قطعه شریف

مهمان غریب و بارگه میزبان، غریب

یا رب کرامتی! که زخم بوسه بر بقیع

سر را نهم به خاک و بگویم بر آن غریب

دریغ و درد که از ظلم دشمنان خدا

خراب شد همه آثار بی شمار بقیع

خراب کرد ستم، مشهد چهار امام

کز آن شرف به سما یافت خاکسار بقیع

گوش ده تا گریه زار علی را بشنوی

نیمه شب ها از دل خونین و حیران بقیع

این حریم عشق دارد عقده ها پنهان به دل

شعله‌ها سر می‌کشد از جان سوزان بقیع

ای جهان آباد کن، برخیز و مهر و داد کن

باز کن آباد از نو، کوی ویران بقیع

جلوه جنت به چشم خاکیان دارد بقیع

یا صفای خلوت افلاکیان دارد بقیع

گر حصار کعبه را جبریل دربانی کند

صد چو موسی و مسیحا پاسبان دارد بقیع

بشنو از این قبرها بانگ اناالمظلوم را

تا که مهدی باز آید، این ندا دارد بقیع

تا شود ثابت که نور حق نمی‌گردد خموش

گرچه ویران شد، جلال کبریا دارد بقیع

شب که تنها می‌شود با خلوت روحانی اش

ای مدینه انتظار میهمان دارد بقیع

شب که تاریک است و در بر روی مردم بسته است

زائری چون مهدی صاحب زمان دارد بقیع

گرچه می‌تابد بر او خورشید سوزان حجاز

از پر و بال ملائک سایبان دارد بقیع

می توان گفت از گلاب گریه اهل نظر

بی نهایت چشمه اشک روان دارد بقیع

شب که تنها می شود با خلوت روحانی اش

ای مدینه انتظار میهمان دارد بقیع

شب که تاریک است و در بر روی مردم بسته است

زائری چون مهدی صاحب زمان دارد بقیع

قبور آل پیمبر، خراب و ویران است

فرشتگان همگان اند سوگوار بقیع

در این مصائب عظمی ولی عصر بود

شکسته خاطر و محزون و داغدار بقیع

حرامیان به حرم تا که حاکم اند رواست

که مسلمین همه باشند شرمسار بقیع

در جهان، هم شأن و همتائی کجا دارد بقیع

چونکه یک جا، چار محبوب خدا دارد بقیع

نور چشمان رسول و، پور دلبند بتول

ص: ۸۱

صادق و سجاد و باقر، مجتبی دارد بقیع

گرچه تاریک است، در ظاهر ندارد یک چراغ

همچو ایوانِ نجف نور و صفا دارد بقیع

سر به دیوارش زند هر کس از این جا بگذرد

در سکوتش ناله ها و گریه ها دارد بقیع

در بقیع، اشک است که سخن می گوید و حال، گویاتر از قال است و چشم های اشکبار، ترجمان دل های داغدار و بی قرار است.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری
۴. صرفاً ارائه محتوای علمی
۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی
۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ...
۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و ... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

